

نامه
مردم

ارگان مرکزی غرب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۳۳
دوشنبه ۲۴ شهریور ۱۳۵۹، ۱۵ ریال

شیوه‌های عمل امپریالیسم امریکا برای درهم شکستن انقلاب ایران

مقاله‌ای که ویلیام سولیوان آخرین سفیر آمریکا در ایران در مجله «سیاست خارجی» چاپ واشنگتن در مورد نحوه‌های برخورد مقامات مسئول دستگاه دولتی آمریکا، با انقلاب ایران منتشر ساخته (و ما برخی از قطعات آنرا در شماره‌های ۳۲۹ و ۳۳۱ نامه «مردم» آورده‌ایم)، بویژه از این لحاظ جالب است که بنحوی باز نشان میدهد، دستگاه دولتی آمریکا در مقابله با انقلاب ایران دو شیوه عمل را برای رسیدن بیک هدف، موازی با یکدیگر و در

تلفیق با یکدیگر بکار برده‌است. یکی شیوه «کام به کام» شیوه «خزنده» و شیوه «سازش» شیوه حفظ دستگاه دولتی و بویژه از این «شاهنشاهی» و انتقال این دستگاه به زمامداران جدیدی که حاضر به تپیدن انقلاب از محتوی ضدامپریالیستی و خلقی بوده‌اند، یعنی مخالفتی اصولی و بنیادی با روابط وابستگی ایران با امپریالیسم بزرگ امریکایی نیستند و جداگانه خواست آنها در چارچوب مشروطیت بدون شاه، یعنی حفظ رژیم منهای

شاه محدود میشد و دیگری شیوه اعمال قهر سرکوب خونین انقلاب، کودتای نظامی که حاصل آن می‌بایستی بهمان نتیجه حفظ رژیم وابسته و زیر سلطه، با شاه یا بدون شاه، منجر شود. سولیوان در مقاله خود سعی می‌کند خود را و شیوه عمل خود را در مقابل شیوه عمل برژینسکی قرار دهد و این دو شیوه عمل را مخالف با یکدیگر جلوه دهد. ولی اندک دقتی در نوشته سولیوان نشان میدهد که این دو شیوه عمل اولاً دارای هدف واحدی بوده‌اند و

فرستاده بود. مأموریت هاینز، طبق برگ مأموریتی که باور داده بودند، این بود که برای حفظ و یکپارچگی نیروهای مسلح ایران و انتقال وفاداری آنها از شاه به بختیار اقدام کند.

و نیز مینویسد: «من بوسیله یک رشته اقدامات کوشیدم زمینه را طوری فراهم سازم که برخی از رهبران جنجالی‌تر و بی‌سختگیرتر نیروهای مسلح ایران تصفیه و پاکسازی و به نحوی مورد تأیید دولت احتمالی مهدی پازرگان واقع شود... میان سران نیروهای مسلح و رهبران (سازشکار) انقلاب، قرارهای مفصل و دقیق گذاشت شد. بنا شد که برخی از افسران بلندمرتبه، همراه شاه، ایران را ترک کنند و بقیه نظامیان بگونه‌ای وفاداری خود را تغییر دهند که تمامیت ارتش حفظ شود...»

بدینسان در اینجا «خط سولیوان» و «خط برژینسکی»، چنانکه میبینیم، حفظ تمامیت ارتش است. تفاوت فقط در این است که برژینسکی امیدوار بوده است که بتواند بختیار را بر گرسی قدرت نشاند (برای من سولیوان) هم دستور رسید و گفته شد که دولت آمریکا بدون تردید از دولت بختیار پشتیبانی و برای ابقاء آن کوشش خواهد کرد، ولی سولیوان بر آن بوده است که «بقای دولت بختیار یک خیال‌واهی است» و باید زمینه انتقال ارتش را به دولت احتمالی مهدی پازرگان فراهم ساخت. هدف در این مرحله حفظ ارتش است تا بوسیله این ارتش بتوان در صورت لزوم کودتا کرد و انقلاب را در خون خفه کرد و یا «بگونه‌ای مؤثر کنترل اوضاع را بدست گرفت» و در صورتی که این کنترل اوضاع خواست از دست برود باز بوسیله همین ارتش، کودتا کرد.

بدینسان ضمن کوشش برای عقیم کردن انقلاب ایران، اقدام به کودتا همیشه در دستور روز است. «خط برژینسکی» و «خط سولیوان» با یکدیگر تقاطع می‌کنند و این دو خط را مرکز واحدی (کاخ سفید و سیا) به عنوان شیوه‌های عمل که میتوانند جای یکدیگر را بر حسب اوضاع بگیرند، اداره مینمایند.

آنگاه که بر اثر قاطعیت انقلابی امام‌خینی، مبره بختیار بی‌اثر می‌شود و انتقال قدرت حاکم از جمله ارتش یکپارچه باونامکن می‌گردد، برژینسکی بوسیله هاینز در صدد کودتا بر میایدولی برخلاف هاینز که عقیده داشته «در صورت برخورد ارتش با انقلابیون، بیروزی با ارتش خواهد بود، سولیوان بر آن بود که اگر به نظامیان دستور آتش کشیدن بروی مردم داده شود، ارتش از هم میپاشد.

در نتیجه اسلحه نظامیان بدست مردم خواهد افتاد و دولت بازرگان، هنگامیکه سرکار آید، نخواهد توانست سرعت و بگونه‌ای مؤثر کنترل اوضاع را بدست گیرد. به‌بارت دیگر سولیوان عقیده داشته است که موقع کودتا نیست و میتوان، نه بوسیله دولت بختیار، بلکه بوسیله دولت بازرگان انقلاب ایران را عقیم کرد و در همین حال ارتش را یک «مصالح آمریکا» حفظ کرد. بقیه در صفحه ۸

پیشنهاد ما برای خلع سلاح ضد انقلاب در کردستان

خود آنها را بوجود آورده‌ایم. نیروهای انقلابی و مدافعان صدیق جمهوری اسلامی ایران بنویسند و افرادی هم در دام این دروغ افتاده گرفتار دسیسه‌های ستون پنجم آمریکا می‌شوند. ستون پنجم آمریکا شایعه پخش میکند که حزب دمکرات «شاخه نظامی» حزب توده ایران است و افرادی این دروغ شاخدار را علم می‌کنند. ستون پنجم آمریکا شایعه پخش میکند که «روسپا» برای «کردها» اسلحه می‌فرستند و کسانی بدون تأمل این افترا را تکرار میکنند.

عمل تخریبی ستون پنجم آمریکا چیز دیگری نیست، مسئولان مملکتی و بویژه کسانی که با مسائل کردستان سروکار داشته‌اند بچشم خود دیده‌اند. ولی باوجود این واقعیتها، ستون پنجم آمریکا می‌کوشد حوادث کردستان را که

* تدوین طرح یا قانونی در زمینه تأمین و اجرای خواسته‌های مشروع خلق کرد

* رهائی از دام گستری عمال آمریکا برای نجات کردستان از بحران و جهنم سوزان جنگ

عمل تخریبی ستون پنجم آمریکا چیز دیگری نیست، مسئولان مملکتی و بویژه کسانی که با مسائل کردستان سروکار داشته‌اند بچشم خود دیده‌اند. ولی باوجود این واقعیتها، ستون پنجم آمریکا می‌کوشد حوادث کردستان را که

عمل تخریبی ستون پنجم آمریکا چیز دیگری نیست، مسئولان مملکتی و بویژه کسانی که با مسائل کردستان سروکار داشته‌اند بچشم خود دیده‌اند. ولی باوجود این واقعیتها، ستون پنجم آمریکا می‌کوشد حوادث کردستان را که

عمل تخریبی ستون پنجم آمریکا چیز دیگری نیست، مسئولان مملکتی و بویژه کسانی که با مسائل کردستان سروکار داشته‌اند بچشم خود دیده‌اند. ولی باوجود این واقعیتها، ستون پنجم آمریکا می‌کوشد حوادث کردستان را که

عمل تخریبی ستون پنجم آمریکا چیز دیگری نیست، مسئولان مملکتی و بویژه کسانی که با مسائل کردستان سروکار داشته‌اند بچشم خود دیده‌اند. ولی باوجود این واقعیتها، ستون پنجم آمریکا می‌کوشد حوادث کردستان را که

عمل تخریبی ستون پنجم آمریکا چیز دیگری نیست، مسئولان مملکتی و بویژه کسانی که با مسائل کردستان سروکار داشته‌اند بچشم خود دیده‌اند. ولی باوجود این واقعیتها، ستون پنجم آمریکا می‌کوشد حوادث کردستان را که

عمل تخریبی ستون پنجم آمریکا چیز دیگری نیست، مسئولان مملکتی و بویژه کسانی که با مسائل کردستان سروکار داشته‌اند بچشم خود دیده‌اند. ولی باوجود این واقعیتها، ستون پنجم آمریکا می‌کوشد حوادث کردستان را که

امریکا برای «پیشبرد مقاصد سیاسی خود» طی ۳۰ سال، ۲۱۵ بار به اعمال قهر متوسل شده است

صفحه ۲

خط برژینسکی

برژینسکی: «... پایان حمایت سیاسی از جمهوری اسلامی خینی، خصوصاً توسط اتحاد شوروی، حتماً به تضعیف مواضع سیاسی خارجی رژیم خینی منجر خواهد شد.»

(از نامه برژینسکی، سند افشا شده، توسط آقای بنی‌صدر رئیس جنسور)

رادیو اوپسی (با خوشحالی): «روابط سیاسی میان ایران و شوروی روز بروز تیره‌تر میشود.»

تظاب زاده: «روابط ایران و شوروی محدود خواهد شد.»

(از مصاحبه اخیر با خبرگزاری فرانسه)

خط مدافع انقلاب ایران

حجت الاسلام هاشمی رشتنجانی: «من از به تیرگی گذاشتن روابط (ایران و شوروی) چیزی نمی‌بینم. روابط همان بوده که هست.»

(از مصاحبه مطبوعاتی در مجلس، ۲۰ مرداد ۵۹)

رادیو مسکو: «اتحاد شوروی از نخستین روزهای انقلاب اسلامی در ایران، از این انقلاب پشتیبانی کرده و می‌کند. اتحاد شوروی دسیسه‌های دشمنان انقلاب، یعنی امپریالیستها و صیونیستها را فاش می‌سازد. کشور شوروی، صرف نظر از اینکه چه موافقی در راه حسن همجواری شوروی و ایران بوجود آید، همیشه این سیاست را در مورد ایران دنبال خواهد کرد.»

(به نقل از کیهان، ۲۳ مرداد ۵۹)

رادیو مسکو: وی (تظاب زاده) محدود شدن مناسبات شوروی و ایران را پیش‌بینی میکند. چرا؟ بخاطر نیل به چه هدفی؟ اتحاد شوروی و ایران همسایگان نزدیک هستند. این وضع امکاناتی برای برقراری همکاری بسیار نریختن و متقابلاً سودمند فراهم میکند.

مابین ایران و شوروی هیچگونه مسائل مورد اختلاف ارضی و اقتصادی و سیاسی وجود ندارد. اتحاد شوروی در موضع عدم مداخله کامل در امور ایران و رعایت دقیق حاکمیت کشور شمس است. این روش بنحوی کامل در جریان انقلاب اسلامی در ایران متجلی شد. در آزمون اتحاد شوروی نه تنها تأیید کرد که حق ملت ایران را برای تعیین مستقل سرنوشت خود کاملاً محترم میشمارد، بلکه هیچ‌چنین درخواست نمود که دیگر کشورها هم این حق را محترم بشمارند. لئوید برزنف رهبر شوروی با زهم طی بیانات خود در آلمان‌آتا، روش اتحاد شوروی را تأیید کرد و اظهار داشت: ما کاملاً از این اصل پیروی می‌کنیم، که تنها خود ملت ایران می‌تواند تعیین کند، که از چه راه باید پیش برود. چنین است سیاست روشن اتحاد شوروی در مورد ایران.»

(از برنامه مورخ ۱۹/۷/۵۹)

در صفحات بعد

لولو خور خوره‌ای که بنام کمونیسم درست کرده‌اند

صفحه ۲

چهره‌های گوناگون پاکسازی

صفحه ۲

وحدت دو کشور سوریه و لیبی بر پایه مواضع ضد امپریالیستی و پایداری در برابر سیاست تجاوزکارانه اسرائیل

صفحه ۵

کودتای نظامی آمریکائی در ترکیه و خطرات ناشی از آن برای انقلاب ایران

صفحه ۷

گزارشی از وضع کارگران سبزی فروش دوره گرد

صفحه ۴

گزارشی از وضع روستائیان کهک و واقع در بین جاده شیراز - خرامه

صفحه ۵

تسلیت

ضایحه اسفناگیز درگذشت فرزند حجت الاسلام محمد مجتهد شبستری، نماینده محترم مجلس شورای اسلامی را به ایشان و خانواده محترم شبستری صمیمانه تسلیت می‌گویم.

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

مجلس

نامه کمیسیون خارجی مجلس شورای اسلامی به مجلس:

آمریکای جهانخوار بزرگترین دشمن ماوهمه مستضعفین جهان است

لانه جاسوسی آمریکا، مرکز اصلی حکومت بر سر نوشت ملت مسلمان ایران و پایگاه تجاوز آمریکا در منطقه بشمار میرفت. مجلس وحدت سوریه و لیبی را تبریک گفت.

کمیسیون خارجی مجلس شورای اسلامی ایران طی نامه‌ای که در جلسه دیروز مجلس قرائت شد، درخواست کرد مجلس در یک جلسه علنی مسئله گروگانهای جاسوسی آمریکائی را بررسی و درباره سرنوشت آنها تصمیم بگیرد. در این جلسه همچنین تصویب شد که پاسخ مجلس ایران به نامه نمایندگان کنگره آمریکا با در نظر گرفتن نظریات نمایندگان که در جلسه دیروز پیرامون آن سخن گفتند، در کمیسیون خارجی مجلس تصویب و ارسال شود.

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، رئیس مجلس وحدت سوریه و لیبی را تبریک گفت و مجلس، فسکوت گذاردن نامه دعوت رئیس‌جمهور به مجلس را تصویب کرد.

در جلسه دیروز نظریه کمیسیون خارجی مجلس در مورد مسئله جاسوسان آمریکائی به شرح زیر قرائت شد:

انقلاب اسلامی ایران گشاینده راهی نو در تاریخ بشر است که بخواست خداوند به پیروزی نرسائی مستضعفین بر مستکبرین منتهی خواهد شد. و در این میان امریکای جهانخوار بعنوان شیطان بزرگ و خطر استکبار جهانی بزرگترین دشمن استقلال و عظمت ما و همه مستضعفین جهان است. اشغال لانه جاسوسی آمریکا که در واقع مرکز اصلی حکومت بر سر نوشت ملت مسلمان ایران و پایگاه تجاوز آمریکا در منطقه بشمار می‌رفت، در این رابطه است که معنا و مفهوم اصلی خود را باز می‌یابد. در دنیای سرسام زده کنونی که سودمندان همه روابط و مقررات بین‌المللی به نفع قدرتهای توسعه طلب تنظیم یا اجرا می‌گردد دانشجویان مسلمان پیرو خط امام به حرکتی دست زدند که مورد تأیید امام بزرگ و امت قهرمان قرار گرفت. حرکتی که به مثابه فریاد مظلومیت ملتی قهرمان بود که راه بلند استقلال و آزادی را به پای خون پیموده است و می‌باید تا به یاری خدا نظام داد بنیاد جمهوری اسلامی را بر ویرانه‌های رژیم وابسته پیشین بنا نهد. رهبر انقلاب و وجدان همیشه بیدار مردم شهبودر ایران اشغال لانه جاسوسی آمریکا را به حق انقلابی می‌نامند که از انقلاب اول بزرگتر است. امام امت امر رسیدگی به مسئله گروگانها را به مجلس شورای اسلامی محول فرمودند و کمیسیون امور خارجه این موضوع را که در رابطه مستقیم با سیاست خارجی جمهوری اسلامی است جزو اولین و نه مهترین موضوعاتی یافت که می‌بایستی در جلسات این کمیسیون مطرح می‌کرد. همچنین منظور طی چند جلسه درباره اصل موضوع و شیوه رسیدگی به آن به بحث و تبادل نظر پرداخت و از سوی برادران عضو کمیسیون نقطه نظرهای گوناگونی ابراز گردید. ضمناً اعضای کمیسیون بطور غیررسمی نظر تعداد زیادی از نمایندگان محترم را در این زمینه جویا شدند و در نتیجه در آخرین نشست خود تصمیم به ارائه گزارش جاری به جلسه علنی مجلس شورای اسلامی گرفتند.

در زمینه شیوه رسیدگی به این مسئله دوتنظریه وجود دارد که بعضی نمایندگان محترم می‌رساند. اولاً:

و بطور کلی توقع این بود که وقتی حکومت بدست مسلمانان و تشکیلات جمهوری اسلامی افتاد، وضع درست می‌شود، مستضعفین که سالهای سال، محرومیت کشیده و زیر ستم ثروتمندان قرار داشتند. اینها می‌خواستند به حق طبیعی خودشان برسند.

بیاد بیاورید مطالبی را که امام روز اول در بهشت زهرا فرمودند و نیز بعد از آمدنشان به قم گفتند که: باید مستضعفین را بالا ببریم و مستکبرین را به زمین بزنید و آنچه را که خواست اسلام و حق طبیعی مستضعفین است، تحقق بدهید. ولی به عللی که کم و بیش شنیدید و خردمان درباره این مسئله دیدیم که این آرزو برآورده نشد. بی‌جهت نبود. که چند ماه پیش امام برای چندین بار فریادشان بلند شد که این چه حکومتی است. چه کردید؟

وی همچنین گفت: اکنون همان پیرحمان، همان سرمایه داران بزرگ، همان زمین خواران بزرگ در قالب کسانی که خدمت به انقلاب می‌کنند، درآمده‌اند و هر وقت مردم بخواهند حقشان را بگیرند، آنها را ضدانقلاب نام می‌دهند.

وی در ادامه متذکر گردید: هستند کسانی که چند میلیارد ثروت اندوخته‌اند، و هیچکس نیست که از اینها بپرسد اینها را از کجا آورده‌اید... بسیاری از برادران هستند که احساسشان این است که به این استضعاف اقتصادی خاتمه داده شود... مسئله اینست که جامعه در همین فقر باقی مانده، بی‌کاری است، بی‌مسکنی است، و هیچکدام از اینها اثر انقلاب اسلامی نیست که بخواهند از آنها سوء استفاده کنند...

هدف اسلام تکامل معنویت است. این تکامل در این دنیا بدون جریانات مادی نمی‌تواند تحقق پیدا کند.

پس از پایان سخنان رضا اصفهانی، گروهی از نمایندگان به سخنان او اعتراض کردند. آقای رفسنجانی ضمن اشاره به دست آوردهای انقلاب که توسط حجت الاسلام باهنر اعلام شده است، گفت: «این کشور برای محرومین خیلی خدمت کرده است. حقوق حداقل ۱۹ تومان به ۵۷ تومان رسید است.»

تبریک برای وحدت سوریه - لیبی پس از پایان سخنرانیهای ناطقین پیش از دستور، آقای هاشمی رفسنجانی ضمن سخنرانی از مجلس خواست

نظر به ظرافت و پیچیدگی موضوع مجلس می‌تواند هیتی را انتخاب و راساً مامور رسیدگی به مسئله و حل و فصل آن گرداند. ثانیاً: می‌توان مسئله را «در جلسه علنی مجلس طرح نمود تا نمایندگان محترم نقطه نظرهای خویش را ارائه دهند و آنگاه هیتی انتخاب و مامور اجرا و پیاده کردن اصول و ضوابطی گردد که از مجموع نظریات ارائه شده بدست می‌آید. در اینجا لازم است نظریه کمیسیون امور خارجه را در این زمینه با اطلاع برسانیم.

باتوجه به موقعیت خطیری که انقلاب در آن به سر می‌برد و باتوجه به اینکه اشغال لانه جاسوسی و گروگان گیری به کل انقلاب و به تمامی مردمی که فداکارانه در صحنه پیکار گام نهاده‌اند مربوط می‌گردد و باتوجه به اینکه در آستانه رسیدگی به امر گروگانها از سوی مجلس شورای اسلامی در خارج و داخل ایران تلاش جو ساختگی و تحمیل این بر فضای رسیدگی به این مسئله بچشم‌می‌خورد و باتوجه به نقطه نظرهای گوناگونی که نمایندگان محترم در زمینه اصل مسئله و شیوه رسیدگی به آن ابراز داشته‌اند کمیسیون امور خارجه جلسه علنی مجلس شورای اسلامی را شایسته‌ترین پایگاه طرح مسئله و رسیدگی به آن و تصمیم گیری درباره آن می‌داند و معتقد است که تمامی نمایندگان که بحمدالله پای بند حفظ حیثیت انقلاب اسیل ایرانند می‌بایستی در پیشگاه ملت قهرمان و مسلمان ایران نظریات خویش را مطرح کنند و به نتیجه مطلوبی که درخور این انقلاب است برسند. طبیعی است که مجلس می‌تواند اصول مستخرج از نظریات نمایندگان را بعنوان چارچوب حل و فصل مسئله به وسیله هیتی که از سوی مجلس انتخاب می‌گردد اجرا و پیاده نماید. از ریاست مجلس شورای اسلامی تقاضا داریم که بحث پیرامون گزارش کمیسیون امور خارجه را در دستور کار یکی از جلسات علنی مجلس شورای اسلامی قرار دهد تا طبق تصمیم و رای نمایندگان محترم در این زمینه اقدام لازم بعمل آید.»

مستضعفین را بالا ببریم

اولین سخنران قبل از دستور دیروز رضا اصفهانی بود. او از جمله گفت: قبل از انقلاب ملت مستضعف انتظاراتی داشت

که به اقدام انقلابی در کشور سوریه و لیبی در اتحاد علیه اسرائیل، تبریک بگویند. وی گفت:

سوریه و لیبی اولین گام را در جهت تشکیل یک جبهه نیرومند در برابر دولت اسرائیل و عمل امیر- یالیم غرب در منطقه برداشته‌اند و در شرایطی که مصر و بعضی کشورهای مرتجع منطقه روی سازش دارند، و بدین ترتیب خطری برای انقلاب‌های منطقه ایجاد می‌کنند، این حرکت بسیار باارزش است. حرکت وحدت آفرین این دو کشور بسیار باارزش است و مخصوصاً در زمانی که انقلاب اسلامی ایران جا افتاده و کشور نیرومندی مثل ایران که در گذشته در زمان شاه مخلوع پشتوانه اسرائیل بود، امروز در صف مبارزان علیه اسرائیل قرار می‌گیرد. ما به این وحدت تبریک می‌گوئیم و از مجلس محترم اجازه می‌خواهم که بطور رسمی به مسئولان و پیشقدمان این اتحاد تبریک بگوئیم و کار آنها را تأیید کنیم و در موقع مناسب کمکهای لازم.

پس از پایان بررسی طرح دعوت از رئیس‌جمهور به مجلس، مخبر کمیسیون امور خارجه، آقای خاتمی گزارشی خود را در زمینه نامه جویای مجلس به کنگره آمریکا ارائه داد. این نامه از سوی مجلس شورای اسلامی خطاب به کنگره آمریکا و در جواب نامه گروهی از نمایندگان کنگره آمریکا به نمایندگان مجلس شورای اسلامی تنظیم شده است. در مورد این نامه گروهی از نمایندگان سخنانی ایراد کردند. از جمله آقای آیت تأکید داشت که: «اگر مجلس بخواهد این نامه را بنویسد من شخصاً هیچگونه امضایی در زیر آن نخواهم گذاشت.»

وی همچنین پیشنهاد کرد که «این نامه با امضاء نمایندگان که خواهان این نامه هستند مشخص شود.» پس از پایان سخنان نمایندگان قرار شد که این نامه با در نظر گرفتن پیشنهاد نمایندگان، از سوی کمیسیون امور خارجه تجدید و تدوین شود.

در پایان دکتر ساروخانی نماینده تبریز ضمن سخنانی گفت: تجارت خارجی باید صد درصد ملی شود و تمامیهایی توزیع وجود آید و دست منکهران کوتاه و جلوی آنها گرفته شود.

در حاشیه مجلس

مخالفت آقای یزدی

پس از آنکه استاد رضا اصفهانی گفت: «هستند کسانی که چند میلیارد ثروت اندوخته‌اند، و هیچکس از اینها نمی‌پرسد اینها را از کجا آورده‌اید» جلسه مجلس بسیار متشنج شد. آقای دکتر ابراهیم یزدی از پرشورترین مخالفان بود. رضا اصفهانی در جواب مخالفان گفت: «چرا هر وقت در مورد گرفتن احقاق حق مستضعفین صحبت می‌شود، از این‌جا و آنجا صدا بلند می‌شود»

چهره‌های گوناگون پاکسازی

تجربه و مومن به انقلاب را به جرم «چه» بودن بازنشسته و یا باز خرید کرده و بدینسان آنانرا از سر واکرده‌اند. در وزارت آموزش و پرورش کار پاکسازی و استخدام جدید شکل قفتش عقیده بخود گرفته و سر و صدای فراوان برانگیخته است. مثلاً برخی از پرشورترین مخالفان بودند. در این زمینه گفت: «چرا هر وقت در مورد گرفتن احقاق حق مستضعفین صحبت می‌شود، از این‌جا و آنجا صدا بلند می‌شود»

متأسفانه قاطعیت انقلابی این هیئت‌های پاکسازی همه‌جا تأیید مسئولان مربوطه را به همراه نداشته و احکام صادره، اینجا و آنجا، مورد اعتراض قرار گرفته است. گاه نیز هیئت‌های پاکسازی در جریان رسیدگی و پس از آن زیر فشار واقع شده‌اند، که موجب تأسف است. در مواردی دیده شده است که نه هیئت‌های پاکسازی بوظایف انقلابی و قانونی خود عمل کرده‌اند و نه مسئولان دولتی به این امر خطیر توجه لازم را مبذول داشته‌اند. آن عدم قاطعیت انقلابی و این بی‌توجهی موجب شده است که آخرین مهلت پاکسازی (روز هشتم شهریور) به پایان رسد و هنوز سره‌های مورد اعتماد رژیم پیشین در میان بیج و مهره‌های ماشین دولتی انقلاب باقی‌مانده، که بالطبع وظیفه‌های جز خرابکاری و لنگ کردن کار دستگاه برعهده نخواهند داشت.

وجه دیگر پاکسازی، مسخ کردن محتوی این امر انقلابی از سوی برخی هیئت‌های پاکسازی است. افراد ناآگاه و یا مشکوک، که در هیئت‌های پاکسازی جای داشته و یا خود را جای داده‌اند، بجای آنکه عناصر نامطلوب و ضدانقلاب را پاکسازی کنند، اینکار را بهانه دفع عناصر صادق انقلابی کرده‌اند، که به علل سیاسی و ایدئولوژیک هرگز با آنها توافق نداشته‌اند و اکنون فرصت تسویه حساب یافته‌اند. بیشترین پاک سازی از این نوع، در وزارت آموزش و پرورش انجام شده، که برخی از آموزگاران، دبیران و مدیران با

شخصی و گروهی، تسویه حسابها و غرض‌ورزیها را دخالت میدانند. تجاوز نظامی نافرجام طبعی ضربه‌های هشیارکننده بود. مردم دیدند که هلیکوپترها و هواپیماهای آمریکائی، که در دل شب در دشت کویر فرود آمدند، تا تهران برسند و به «گروگانها» دست یابند و عملیات شوم خود را در سرنگونی نظام جمهوری اسلامی و پیروزی ضدانقلاب، به ثمر برسانند، هزاران دست و مغز باید آنانرا گام به گام ارشاد کند و این دستها و مغزها جز از آن ضدانقلاب نمیتواند باشد، که در تاروپود نهادهای دولتی، و ارتشی لانه کرده است. این بود که فشار افکار عمومی برای پاکسازی در دستگاه اداری و ارتش افزایش یافت، و بویژه پس از توطئه کودتای ۱۸ تیر ماه که فرمان امام خمینی بر زدودن تمام آثار طاغوت تأکید میکرد، بار دیگر هیئت‌های پاکسازی ماهوریت یافتند که با پیگیری و قاطعیت به کار خود ادامه دهند.

برخی از این هیئت‌ها موفق شده‌اند که با ساواکیها و سایر عناصر ضدانقلابی در حیطه عمل خود، که حتی تا معاونت وزیر و مقام مدیرکل جای داشتند، حکم انفصال بدهند و آنها از ادارات بیرون بریزند و در احکام پیشین پاکسازی، که درباره عناصر طاغوتی و ساواکی با ارفاق بسیار صادر شده بود، تجدیدنظر نمایند و احکام کیفری درخور برای آنان صادر کنند.

پس از پیروزی انقلاب، از مهمترین وظایف دولت موقت یکی هم مسئله پاکسازی ارتش، نیروهای انتظامی، دستگاه دولتی، بخش خصوصی و مراکز تولیدی از عناصر طاغوتی، ساواکی، فاسد، دزد، رشوه‌گیر و رشوه‌خوار وابسته به رژیم پیشین بود. اگر دولتی واقعا انقلابی زمام امور را در دست داشت، می‌بایست دستگاه دولتی مانده از طاغوت را که، که فقط برای خدمت به امپریالیسم رژیم و وابسته بدان شکل گرفته بود، از غریب تنگ‌بیز پاکسازی انقلابی بگذراند، افراد درستکار و مومن به انقلاب را، که از لجن‌زار نظام طاغوتی، رنگ و بو نپذیرفته بودند، باقی گذارد و بقیه را به نسبت جرائمشان کیفر دهد.

ولی دولت موقت از این باور بسیار دور بود. زیر فشار افکار عمومی و با تأخیر طولانی، کسانی پاکسازی شدند که از مجرمان دست اول رژیم پیشین بودند، خود از کشور فراری شده و یا در چنگ عدالت دادگاههای انقلاب گرفتار آمده بودند. ولی بقیه بر سر پستهای خود باقی ماندند و چه بسا که عناصر مشکوک، زده‌دار و دشمن انقلاب مواضع حساسی را در ارتش، در ادارات دولتی و موسسات تولیدی اشغال کردند. دولت موقت با این بهانه سخیف که، نمیشود تمام کارمندان دولت و ارتش را به‌خیابانها ریخت، به فشار افکار عمومی پاسخ می‌گفت، و در واقع سفسطه میکرد. این برخورد نادرست با مسئله مهم پاکسازی به آنجا انجامید که بسیاری از همکاران درجه اول وزیران و مدیران رژیم پیشین، ساواکی‌ها و رستاخیزی‌ها و سوءاستفاده‌کنندگان از بیت‌المال بر مواضع خود باقی ماندند.

امام خمینی به تکرار بر ضرورت پاکسازی تأکید کردند، ولی پاکسازی با آن محتوی که خواست امام و ق... انقلاب بود، انجام نشد. بسیاری از هیئت‌های پاکسازی در وزارتخانه‌ها و ادارات، یا از اختیارات کافی برخوردار نبودند و یا خود شایستگی لازم را فاقد بودند و در انجام وظیفه انقلابی خویش، حسابهای

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

لولو خور خوره‌ای که بنام کمونیسم درست کرده اند

دچار حیرت و تأسف عمیق می‌شود. برای این بدیده، غم انگیز چهار علت می‌توان شمرد:

۱- تبلیغات متحرک و متراکم همه‌قشرهای ممتاز، از سرمایه‌دار و فئودال و خان‌های عشایر و دولتهای دست‌نشانده آنها در سراسر جهان، که قدرت اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی بسیار بزرگی را در اختیار دارند، به شکل هماهنگ و مستمر در راه بنام و مبتذل کردن کمونیسم، از کشورهای سوسیالیستی گرفته تا احزاب انقلابی، آنقدر گفته‌اند و گفته‌اند، که شاید امر بر بعضی از خود آنها هم مشتبه شده است. از نیروی اهریمنی تلقین و تکرار حداکثر استفاده شده است.

۲- ناآگاهی، کم آگاهی و بدآگاهی مسلط در کشورهای "جهان سوم". معمولاً اطلاع درباره جهان خارج، به ویژه درباره احزاب کمونیست و کارگری و کشورهای سوسیالیستی نیست، یا کم است و یا تحت تأثیر همان تبلیغات نادرست است.

۳- خرابکاری گروهی که به نام "کمونیسم بجان مردم افتاده‌اند، مانند مائوئیست‌ها، پل پتی‌ها، حفیظ الله امین‌ها، یا کسانی که دروغ از کمونیسم دم می‌زنند و عمال سیا و اینتلجنس سرویس هستند و تظاهراتی می‌کنند و روشنفکران را پیش می‌گیرند، که مردم را به حق از کمونیسم بگری می‌کنند. این یک نقشه آگاهانه برای "زشت‌سازی" کمونیسم است.

۴- علت آخر (که آخرین هست) و ولی کمترین نیست) دشواریهای تکامل خود انقلاب سوسیالیستی، خطاهای کودکی و جوانی، مجبور بودن کشورهای سوسیالیستی به مقابله با دستگاه عظیم

تبلیغات دوران "طاغوت"، به دستور آمریکا در محیط نیروهای مسلح، در آموزشگاههای کشور و در فضای جامعه، تمام گوش خود را صرف آن می‌کرد که از کمونیسم، که یک فلسفه انسان دوستی است، لولو خور خوره و وحشتناکی درست کند! رژیم دست‌نشانده شاه بدست مردم سرنگون شد، ولی این جریان ناهنجار متأسفانه ادامه یافت و تا امروز هم ادامه دارد. انگیزه‌ها عوض شده، ولی محتوای اصلی دست نخورده باقی است. کماکان رادیو، تلویزیون، کتابهای درسی و غیردرسی، فیلمها، روزنامه‌ها مجلات از تبلیغات روراست یا دربرده، ناشیانه یا مودبانه، هوجبانه یا شبه علمی، علیه جنبش کمونیستی مارکس و انگلس و لنین - مالا مال است. چه چیزها که نمی‌گویند! اشخاصی که از این جنبش هیچ اطلاعی ندارند و کشورهای سوسیالیستی (به قول زنده "آنها" بلوک شرق را) اصلاً ندیده‌اند و نمی‌شناسند، مطالبی درباره این جنبش و این کشورها بهم می‌بافند، که در قوطی هیچ عطاری پیدا نمی‌شود. هنوز افسانه‌های مبتدلی از قبیل اینکه به قول آنها "در کشور های کمونیستی" (و حال آنکه هنوز هیچ کشور کمونیستی تاکنون در جهان وجود خارجی ندارد و فقط کشورهای سوسیالیستی وجود دارند) زن من و زن همنانی ندارد، یا مردم نان خالی هم ندارند، بخورند، یا هرکس نماز بخواند ده سال حبس می‌شود یا همه باید کارشاق بدنی انجام بدهند و الا سبه سبیری فرستاده می‌شوند یا احدی حق داشتن یک صندلی هم ندارد و امانت نان خالی هم ندارند، از آن روزی علیه "بلشویکها" روبراه کرده‌بودند، از بسیاری اشخاص شنیده می‌شود. آدم از این وضع

ولی ما با اطمینانی به محلی صخره صفا میدانیم که کمونیسم سبزی صاحب را به جانی نمی‌رساند، زیرا مطالبی که دانش انقلابی درباره جامعه و تاریخ می‌گوید، عین واقعیت است، دروغ نیست. در این جریان خطا، گمراهی، دشواری، شکست بوده است، ولی هرگز این عوامل به اصل قضیه بدل نشده، بلکه اصل صداقت در مقابل حقیقت علمی و عدالت اجتماعی، اصل خدمت به بشریت همیشه بوده و هست. مارکسیست‌ها در جامعه‌های تحت رهبری خودشان، عجزات اقتصادی و فرهنگی بسیاری کرده‌اند، که انسان منصف را متحیر می‌سازد، ولی مارکسیست‌ها هنوز، به علمی که روشن است، برای نیل به جامعه ایدئال خود می‌باید راه دشواری را طی کنند. در درجه اول سرمایه‌داری نیرومند و متجاوز جهانی و بر راس آنها لندن و واشنگتن با فشار و خرابکاری دائمی خود بر سر این راه مانع می‌ترانند. شما نمونه آنرا امروز در ایران می‌بینید. اگر در واقع بانوان و آقایانی هستند که تا بلیکلی به درک حقیقت دارند. حزب ما حاضر است، بدون صحنه‌سازی‌های تبلیغاتی مفرضانه، دانش و اطلاع خود را در این زمینه در اختیار آنها بگذارد. تا با توسل به نقل قول‌های نامربوط و ربط ناشیانه مطالب غیرمرتبط، دست به سفسطه‌نزدند.

حقیقت پیروی را گدائی نمی‌کند. هرکس سهر چه میخواهد باور داشته باشد، میل خود اوست. ولی اگر می‌خواهد درباره یک مکتب فکری اظهار نظر کند، لطفاً اول از آن مکتب فکری سردر بی‌آورد، نه اینکه با طبل "مارکس شناسان" غریب رانفهمیده تشخوار کنید و بعنوان "انتقاد" از مارکسیسم تحویل بدهید.

چطور است که سخنان امپریالیستی در یک مورد ۱۰۰٪ غلط است و در مورد دیگر ۱۰۰٪ درست؟! کارمندان صدیق به اندیشه‌های انقلابی دشوار است. در مقابل آنها سدی از سفسطه و دروغ و تهمت و افتراء و ابتذال تا حد ریکترین دشمنان و جانوران ته‌ترین فلدربها افزاشته شده است. تعهد و ایثار و بزرگی لازم است که بیرون جنبش انقلابی این سد دوزخی را بشکنند. ولی روشن است که شیخ نورانی حقیقت سرانجام ظلمات را می‌برد. به قول حافظ:

به صدق کوش که خورشید را یابد از نغست
که از دروغ سیه روی گشت صبح نخست

جاسوسی و نظامی امپریالیستی (جنگ علیه‌المان و زاین را بیاد آورید) و اینکه آنها در زیر آتش مستمر جاسوسی و نظامی و خرابکاری‌های "عینی و مصادی دشمن مجبور بودند از خاکستر نیستی قد علم کنند، صنایع بسازند، علم و هنر را بسط دهند، شهرها را احیا کنند و غیره و غیره.

امپریالیسم که خود کشورهای سوسیالیستی را دچار مخصمه‌های دائمی کرده و می‌کند، آنوقت از خرابکاری انجام یافته خود بهره می‌گیرد و برای خود باصطلاح دلیل می‌تراشد، عیناً مانند مردکی اوپاش، که شما را با یک تنه خشن به داخل لجنزار پرتاب کند و خودش با قهقهه شما را دست‌بیاندازد که "به... به... بین عجب سرو وضعی دارد!"

اگر مثلاً اتحاد شوروی جنگ داخلی (۱۹۲۱ - ۱۹۱۸) را با ده میلیون تلفات و جنگ دوم جهانی (۱۹۴۵ - ۱۹۴۱) را با بیست میلیون تلفات از سر نمی‌گذرانند، امروز مدتها بود که از جهت سرانه تولید صنایع سنگین و سبک آمریکا رابست سرگذاشته بود. ولی ضایعات تنها جنگ دوم سیصد میلیارد دلار (به بهای دلار سال ۱۹۴۵) بود. اگر این سیصد میلیارد دلار، که برابر یک تریلیون دلار امروز است، و آن ۲۵ میلیون جوان کشته براند می‌رفتند اتحاد شوروی که امروز بیش از ۸۵٪ کل تولید آمریکا را دارد، در کجا بود؟ یا همین امروز اگر اتحاد شوروی مجبور نباشد بخش عظیمی از ثروت خود را صرف دفاع در برابر خطر جنگ امپریالیستی و کمک به کشورهای دوست کند، چه معجزات دیگری اقتصادش بیاری آورد؟

این برت ویلاگوئی‌های تبوع آور علیه جنبش مارکسیستی، که حتی از "اسوادترین" و "تربیت شده‌ترین" افراد هم متأسفانه شنیده می‌شود، چون تهمت‌زدن به حقیقت است، واقعا درد ناک است، در قرآن آمده است، از کسی که برخداوند تهمت می‌بندد، ظالم‌تر کسی؟ در همین سطح میتوان گفت، از کسی که به حقیقت تهمت می‌بندد ستمکارتر کیست؟

تعجب آور و تأسف بار نمی‌بود، اگر معلوم میشد که طرف مطلب را خوب میدانند و با وجدان علمی حساس استدلال می‌کنند و سخنان و ایرادش وارد است. ولی متأسفانه شخص می‌بیند که طرف مطلب را گما هو حقه نمی‌داند، با وجدان آلوده سفسطه می‌کند و تهمت می‌زند و مبتذل می‌سازد و ایراداتش به تمام معنی "صدتایک غاز" است.

امریکای «پیشبرد مقاصد سیاسی خود» طی ۳۰ سال، ۲۱۵ بار

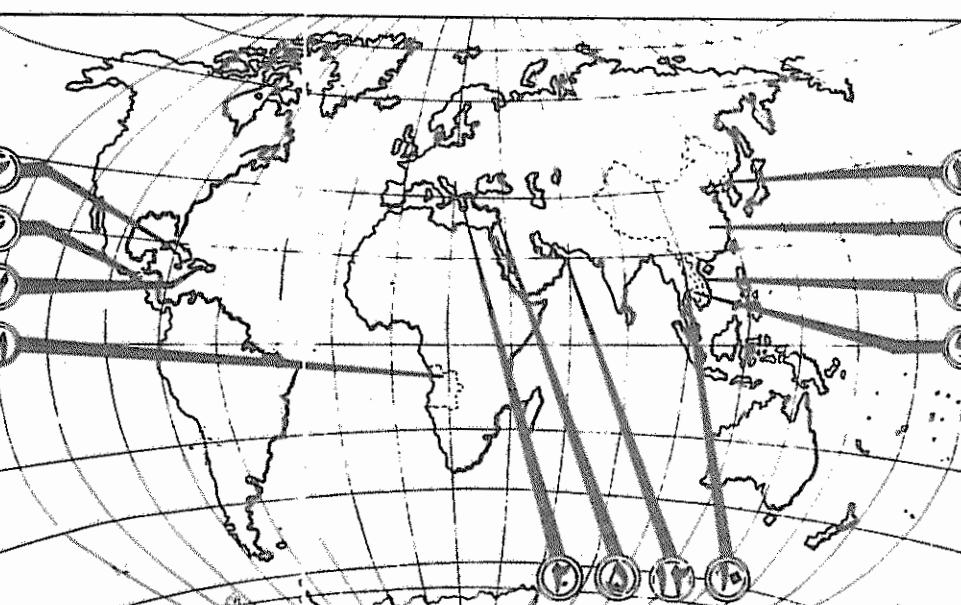
به اعمال قهر متوسل شده است



یکی از سربازان «سپاه واکنش سریع»

- ۱. حمایت ناوگان ششم در سواحل نزدیک بیروت نیرو بیاده کرد. همچنین واحدهای آمریکایی مستقر در جمهوری فدرال آلمان و نیروی هوایی ایالات متحده در این تجاوز شرکت جستند.
- ۲. کوبا: ۱۳۴۰ گروهی از مزدوران آمریکا در ساحل جنوبی کوبا، در "خلیج خوکها" بیاده شدند. بمب افکنهای آمریکایی ۲۶-ب، نیز در این عملیات شرکت کردند، هدف آمریکا آن بود که دولت ضد امپریالیست و خلقی کاسترو را وازگون و حکومتی وابسته به خود را جانشین آن سازد.
- ۳. جمهوری دومینیکن: ۱۳۴۴ نیروهای مسلح آمریکا، با نقض منشور "سازمان کشورهای آمریکایی"، به جمهوری دومینیکن حمله کردند. هدف آنها آن بود که در آنجا "نظام

- ۴. جانکه ویلیام فولبرایت، سناتور آمریکایی، معترف است، ایالات متحده آمریکا را، بخلاف ادعاهای تبلیغاتی رسمی آن کشور، نیروی خارجی تهدید نمی‌کند، بلکه این خطر را تنها در میانترسیم داخلی باید دید.
- ۵. به گزارش "انستیتو بروکینگز" ایالات متحده آمریکا از ۱۱ دی ۱۳۲۵ تا ۱۵ دی ۱۳۵۴، برای "پیشبرد مقاصد سیاسی خود"، ۲۱۵ بار، یعنی هر دو ماه یکبار، به اعمال قهر متوسل شده است. مادر زیر تنها به ذکر چند نمونه از مداخلات نظامی بی‌شمار امپریالیسم آمریکا در ۳۵ سال اخیر در دیگر نقاط جهان اکتفا می‌کنیم.
- ۶. چین: ۱۳۲۸-۱۳۲۴ صد و ده هزار سرباز و افسر آمریکایی مهم‌ترین مراکز استراتژیک کشور را اشغال کردند. نیروی هوایی ایالات متحده آمریکا به پشتیبانی مستقیم از نیروهای جانکایک شتافت. هدف آمریکا آن بود که، رژیم کومینتانگ را بر سر قدرت نگهدارد و بیکار آزادی-خواهانه مردم چین را سرکوب سازد.
- ۷. یونان: ۱۳۲۸-۱۳۲۵ ایالات متحده با مداخله نظامی خود به یاری نیروهای سلطنت طلب در جنگ خانگی شتافت. هواپیماهای آمریکایی، به بهانه جلوگیری از کودتای کمونیست‌ها، نیروهای بریتانیایی را به یونان حمل کردند، ولی هدف راستین آنها پشتیبانی از نیرو-های ارتجاعی یونان بود.
- ۸. کره: ۱۳۲۹ آمریکا در عملیات نظامی رژیم کره جنوبی برای اشغال جمهوری دموکراتیک خلق کره شرکت جست. به گفته "ماتئوریجوی، فرمانده آمریکایی، قصد ارتش آمریکا آن بود که هرچه بیشتر جینی و کره‌ای رانایود سازد. در جریان تجاوز آمریکا، ۱۳۰۰۰۰۰ کره‌ای جان سپردند.
- ۹. گواتمالا: ۱۳۲۳ نیروهای مسلح آمریکا، به ویژه خلبانان ایالات متحده، به گواتمالا حمله ور شدند و رژیم قانونی آریس را، که از سیاسی استقلال طلبانه پیروی میکرد وازگون ساختند.
- ۱۰. لبنان: ۱۳۲۷ تپ دوم عملیاتی نیروی دریایی آمریکا، زیر



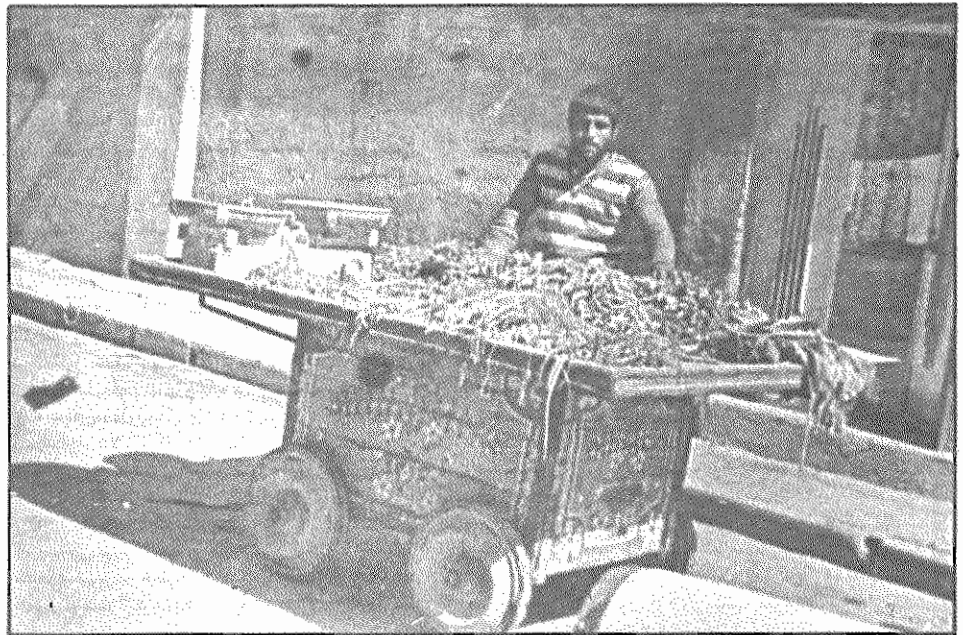
- ۸. ویتنام: ۱۳۵۲-۱۳۴۴ ایالات متحده آمریکا برای سرکوب جنبش آزادی بخش هندوچین به مداخله نظامی گسترده در ویتنام دست می‌زند. در سال ۱۳۵۲، ۵۲۵۰۰۰ سرباز آمریکایی در ویتنام بودند. تنها در ویتنام جنوبی بیش از یک میلیون ونیم غیرنظامی کشته و یازخمی شدند.
- ۹. کامبوج: ۱۳۴۹ ایالات متحده نیروهای خود را به کامبوج گسیل داشت و دوماه تمام به عملیات نظامی علیه خلق کامبوج دست زد. هدف امپریالیسم آمریکا آن بود که شرایط را برای استقرار رژیم وابسته به آمریکا مهیا سازد.
- ۱۰. لاوس: ۱۳۵۰ آمریکا "را برقرار سازند و حکومتی را به سرکار آورند که حامی منافع انحصارگران آمریکایی باشد."

۱۱. آنگولا: ۱۳۵۴ آمریکا نیروی هوایی خود را برای حمل اسلحه در اختیار هولدن و روبرتو، مزدور خود، قسار داد. هنری کیسینجر، وزیر خارجه آمریکا، مبلغ ۱۴ میلیون دلار به کمک نظامی به اشرا تخصیص داد. علاوه بر این، ضد انقلابیون آنگولا نزدیکارشان آمریکایی آموزش میدیدند. آمریکا میخواست از این راه رژیم خلقی آنگولا را وازگون سازد.

۱۲. ایران: ۱۳۵۹ آمریکا، به بهانه "نجات گروگانها" به ماجراجویی طیس اقدام ورزید. هواپیماها و هلیکوپتر های آمریکایی، به کمک کشورهای ارتجاعی منطقه و بانقض آشکار ابتدایی ترین موازین و قوانین بین‌المللی به خاک ایران تجاوز کردند. هدف آمریکا از این توطئه نافرجام آن بود، که به کمک ضد انقلاب داخلی نظام جمهوری اسلامی ایران را سرنگون سازد و با تحمیل دولتی وابسته دوران سیادت چپاولگرانه خود را در کشور ما از سرگیرد.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک در جبهه متحد خلق

سبزی فروش های دوره گرد



عدای از کارگران و کشاورزان تولیدکننده نعمات مادی جامعه مابعد بیگاری و نداشتن زمین، به فروشنده های دوره گرد تبدیل شده اند. بایکی از آنها به گفتگو نشستیم. اومی گوید:

"اسم علی محمدصادق و اهل روستای کمازون ملایر هستم. قبلا کشاورز بودم، ولی فقط سه جریب زمین داشتیم، که نصف بیشترش دیمی بود. اموراتمان نکذشت و مجبور شدم مثل خیلی های دیگر به تهران بیایم.

حالا دوازده سال است در تهران هستم و تاکنون به انواع و اقسام کارها دست زده ام. از شاگرد بنایی گرفته تا امروز که می بینید سبزی فروشی میکنم. از صبح ساعت ۴ که برای تهیه سبزی به میدان میروم، گاهی حتی تا ساعت ۸ شب در کوجهها پرسه میزنم، تا خرجی زن و بچه ام را پیدا کنم. روزی ۶۰۰ الی ۷۰۰ تومان درآمد دارم، ولی برای یک اتاق ۴×۳، در همین علی آبادخانه، ماهی پانصد تومان کرایه می پردازم. تازه بول آب و برق را هم با صاحبخانه نصف می کنیم.

پنج ماه پیش بنیادمسکن اسم ما را هم نوشت، ولی هنوز خبری از مسکن نشده است. چرا سبزی اینقدر گران است؟

او گفت:

حریف آنها نمی شود. " به سبزی فروش دیگری در کوجه های اطراف میدان غار برخوردیم. او هم کشاورز بود و سیزده سال است که اردست بزرگ مالکی به شهر روی آورده است. او می گوید:

"اسم ولی ولیزاده و اهل سراب هستم. هم خودم و هم پدرم خیاط هستیم، ولی بانزده ماه است که پدرم بیگار شده و سیزده ماه پیش هم من بیگار شدم. اگر کار برایم فراهم باشد، سبزی فروشی را رها می کنم. بیگاری مرا مجبور به قبول این کار کرده است."

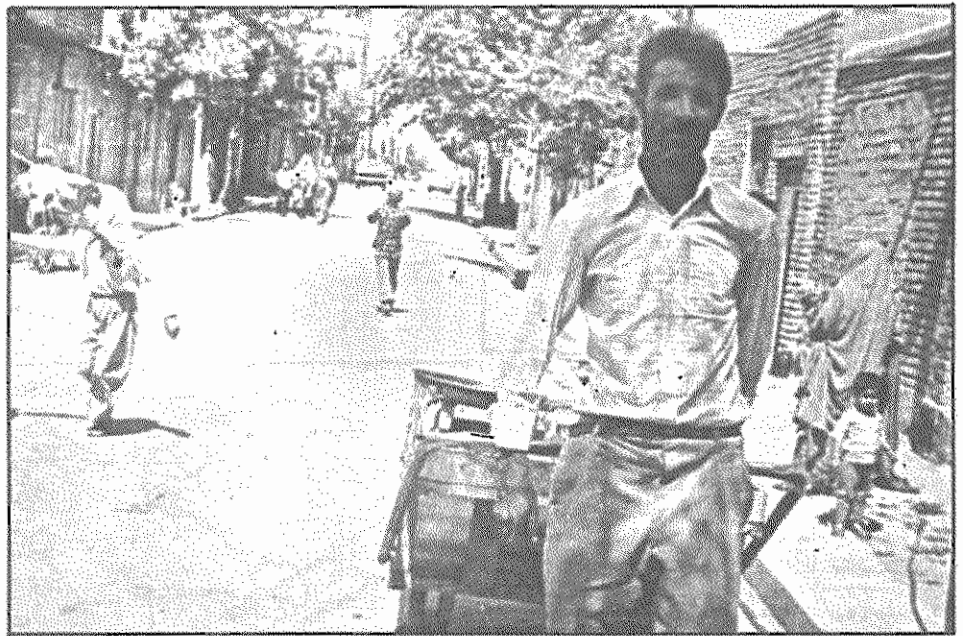
او هم عامل گرانی سبزی را از جسم واسطه های میدان می بیند. او میگوید:

"هم زمان طاغوت و هم حالا، سرمایه دارها هر وقت دلشان خواست بیسکویت دوریالی راه ریل می فرستند و هیچکس هم نیست که جلوی آنها را بگیرد."

داود سلحشور، سبزی فروش دوره گرد دیگری که تادوسال پیش از خوش نشین های روستای مشکینجه اردبیل بوده است، می گوید:

"اگر به مانسق و آب بدهند، همین فردا راهی ولایت می شوم."

مقامات مسئول باید چاره ای هم برای فروشنده های دوره گرد بیندیشند. چون همه آنها در اثر بیگاری به این نوع کارها روی آورده اند و هیچکدام مایل نیستند که برای همیشه از دوره گردی در خیابانها امرار معاش کنند.



کارگران کارگاه آتی ساز خواستار احقاق حقوق خود هستند

اخیرا "نامه سرکنده ای از طرف شمسد کارگر کارگاه "آتی ساز" (چکش سابق) منتشر شده است، که به لحاظ اهمیت، قسمتهایی از نامه را درج می کنیم. در این نامه آمده است:

صاحب شرکت در زمان دولت موقت آقای مهندس بازگان، آهن آلات و ماشین های شرکت را دزدید و در بازار تبدیل به ارز کرد و فرار کرد. ما کارگران بدون هیچ چشمداشتی، بخاطر مبارزه علیه آمریکا، سرخانه جریخهای انقلاب را بحرکت در آوردیم و طی این مدت به مسئولان گوشزد می کردیم که این کارگاه از نظر ایمنی و بهداشت کمبودهای کلی دارد.

در نامه سبب آمده است:

"اگر کارگری در چنین کاربخاطر کمبود وسایل ایمنی سقوط میکرد... او را مانند حیوانی در هر ماشینی که بوده بیمارستان منتقل می کردند و به ما مان خدا رها می ساختند. او پس از بهبودی وقتی به کارگاه مراجعه میکرد، به اومی گفتند: "سقوط تو بر اثر بی احتیاطی خودت بوده و باید به اداره بیمه مراجعه کنی تا در صد حقوق خود را دریافت کنی."

وقتی این کارگر به بیمه مراجعه می کرد، نتیجه ای از کارش نمی گرفت، چون از طرف کارگاه لیست کارگران بیمه شده را به اداره بیمه نمی فرستادند. کارگر مزبور با نارضاحتی به مسئولین امر می گفت: شما که لیست رابه بیمه نمی فرستید، چرا ما هانه از حقوق من حق بیمه کسر می کنید؟

کارگران چندی پیش برای تحقق خواسته های خود، نماینده ای انتخاب کردند تا به این کارها رسیدگی کند. هنگامی که نماینده کارگران به زیروم اجازات می برد، مسئولین کارگاه گفتند که نماینده کارگران باید اخراج شود و حتی مدت دو ماه هم حقوق او را قطع کردند. ولی کارگران جلوی اخراج نماینده خود را گرفتند.

چندی پیش کارگران یک بازرس بیمه رابه کارگاه آوردند تا به کاربیمه آنها رسیدگی کند. بازرس بیمه ضمن مراجعه به دفاتر کارگاه مشاهده کرد که، از پنج ماه قبل مرتبا هر ماهه از حقوق کارگران حتی بیمه کسر می شده است، ولی کارفرما آنها را به اداره بیمه پرداخت نمی کرده است.

برخی از کارگران هنوز نتوانسته اند که برای خود دفترچه بیمه دریافت کنند و همچنین خانواده های کارگران بیمه شده هم هنوز از مزایای بیمه استفاده نمی کنند.

کارگران در بهمن ماه ۵۸ چون دریافتند که به خواسته های قانونی آنها ترتیب اثر داده نمی شود، خواستار ملاقات چهار نفر از نمایندگان خود با نماینده بنیاد علوی شدند. او قول داد که ظرف ده روز به کار آنها رسیدگی کند. پس از طی ده روز، نماینده بنیاد علوی، بجای اینکه احقاق حقیقی از کارگران کرده باشد، گفت که، نفری بانزده روز به همه کارگران مزایا پرداخت می کنیم، ولی کارگران با این نظر اومخالفت کردند. حتی نماینده بنیاد قول ۳۰ روز مزایا رابه کارگران داد، ولی کارگران گفتند: ما هرگز دست به چنین عمل ننگینی نخواهیم زد و خون شهیدانمان را زیر پا له نمی کنیم و به ملت مظلوم خود خیانت نخواهیم کرد.

کارگران سپس خواستار ملاقات با رئیس بنیاد علوی شدند و روز ملاقات هفت تن از نمایندگان خود را نزد او فرستادند. متاسفانه سرپرست بنیاد علوی هم جوابهای سربالا به کارگران داد. یکی از کارگران به سرپرست بنیاد گفت: شب عید است و شما راضی نشدید که کارگران که با خانواده هایشان حدود ۴ هزار نفر می شوند از نان خوردن بیفتند و این چنین

آنها رابه اسلام بدبین نفرمائید!

ولی آقای سرپرست در پاسخ گفت: همین که هست، کارگاه باید تعطیل شود.

متاسفانه مهندسین کارگاه دست به اعتصاب زدند و کارگاه را بمدت یکماه تعطیل کردند و در انبارها را بستند و کلیدها را هم با خود بردند. کارگران تا آنجا که توانستند و مصالح در اختیار داشتند، کار کردند. مسئولین که ملاحظه کردند کارگران خود را به بول نفرختند، حقوق دیمه کارگران را پرداخت نکردند. کارگران در پاسخ مسئولین گفتند: اگر یکسال هم به ما مزایا ندهند، حاضر به تعطیل کارگاه نمی شویم.

کارگران همچنین اضافه کردند: ما کارگران قسم یاد می کنیم که اگر شده مجانی هم کار می کنیم، چون هدفی بزرگتر را تعقیب می کنیم. یکی از نمایندگان کارگران نزد معاون بنیاد - علوی رفت و از او پرسید: چرا حقوق دیمه ما را پرداخت نمی کنید؟

او در جواب گفت: ما حقوق به آنها بی پرداخت خواهیم کرد که فقط برای تسویه حساب حاضر شوند و شما میتوانید بروید وزارت کار و امور اجتماعی شکایت کنید.

کارگران چندین بار برای احقاق حقوق خود به مقامات مسئول مراجعه کردند، ولی نتیجه ای عاید آنها نشد. کارگران کروز در بهمن ماه ۵۸، بطور دسته جمعی به بنیاد علوی رفتند و خواستار اوسرگرفتن کار شدند. ولی مسئولین با این خواست کارگران مخالفت کردند. ظاهرا "تعطیل کارگاه بخاطر تعبیه و سائل ایمنی بود. طبق ماده ۵ قانون کار: اگر کارگاهی بخاطر تعبیه و سائل ایمنی و بهداشتی بخواهد تعطیل کند، باید حقوق کارگران آن کارگاه تارفع نقائص تماما پرداخت شود.

روز ۵۹/۱/۱۰ کارگران سرکار حاضر شدند، ولی مشاهده کردند که هیچ نوع وسایل ایمنی در کارگاه وجود ندارد. مسئولین کارگاه حاضر نشدند کارگران را بپذیرند و به آنها گفتند که باید روز ۱۶ فروردین سرکار حاضر شوند. همچنین آنها شروع کار را منوط به اخراج نماینده کارگران گذارند، که موفق نشدند. پس از چند روز مهندسین کارگاه را عوض کردند و تعدادی از مهندسین اخراجی شهرک اکباتان رابه کار گماردند.

کارگران، که مشتاق کار بودند، ملاحظه کردند که مصالح ساختمانی در اختیار آنها قرار نمی دهند و حتی تعداد هزار و صد واحد از مجموعه هزار و هفتصد واحد مسکونی را تعطیل کرده اند. آنها کارهایی به کارگران رجوع میکردند که مصداق مثل معروف "آب در هاون کوبیدن" را داشت.

کارگران پس از چند روز مشاهده کردند که مهندسین اخراجی شهرک اکباتان، کم کاری و رکود و کارشکنی را در این کارگاه رواج داده اند. کارگران به این جهت خواستار اخراج مهندسین مزبور شدند، ولی مسئولین بجای اخراج آنها میخواستند کارگاه را دوباره تعطیل کنند. حتی کارفرما بمدت سه روز کارگاه را تعطیل کرد، ولی کارگران در تمام شبها مشغول با سداری از کارگاه شدند، در شب سوم، عده ای مهاجم نا - شناسی به یکی از کارگران بنام هرمز صفری حمله ور شدند و با شاکستن دو دندان وی اورا بیهوش بر زمین نهادند و فرار کردند.

کارگران خواستار رسیدگی فوری مسئولین امر به این واقعه هستند و از آنها تقاضا می کنند که به خواسته های برحق کارگران جامه عمل ببوشانند و همچنین جلو تعطیل کارگاه را بگیرند.

گرانی روز افزون هزینه زندگی بردوش زحمتکشان سنگینی میکند

زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری وقاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

کار می کنیم. روزی پنجاه تومان مزد می گیریم. در یک اتاق گریه ای با ماهی پانصد تومان درامانزاده حسن، به اتفاق زن و دو فرزند و مادرم زندگی می کنیم. هنوز بیمه نشده ام. سدیگا هم اصلا به کار ما رسیدگی نمی کند و من هم آنجا نمی روم. در گذشته دهگتار ونیم زمین در گرگان، آبادی سرخان داشتم. بعلت دیواربه دیوار بودن زمین من بازمین یکی از فتودالهای گرگان، او زمین مرا با تراکتور ازبیمین برد. هرچه به زاندارمزی شکایت کردم، کسی به داد من نرسید و من که از زندگی ساقط شده بودم، در سال ۱۳۴۰ برای کار به تهران آمدم."

در پاسخ ما که پرسیدیم: از انقلاب چه انتظاری داری، گفت:

"انتظارم اینست که تحت سلطه بیگانگان نباشیم. برای خودمان زندگی کنیم، برای خودمان زحمت بکشیم، همه بیمه باشیم، مسکن داشته باشیم." یادآورگر دیگر، به نامهای محمدجوادیوسفی پور (از حمام بورورزاده) و سکیته. خوامیان (از حمام صالحی واقع در خیابان مسجد) هم گفتگو کردیم. وضع کار درآمد، مسکن و... آنها هم چندان غرق با دیگر همکاران آنها ندارد. همه از نبودن یا فعال شدن سندیکا ناراضی هستند و از مقامات مسئول می خواهند که به وضع ناسامان آنها رسیدگی شود.

"بله، بهمن جهت از سال ۱۳۳۹ تاکنون دارم قسط بانک میدهم و باز هم باید بدهم." او در ادامه سخنانش اظهار داشت:

"آرزویم اینست که وضع اقتصاد کشور درست شود. مسئله بیگاری و گرانی حل شود و اختلاف بین مردم از بین برود."

به دومین گرمابه ای که وارد شدیم، گرمابه "نوروز زاده"، واقع در خیابان مختاری است. با یکی از کارگران سرسینه که ما مورداد لنگ و حوله به مشتریان است، گفتگو کردیم:

"اسم من محمدحسن عباسی است. بانزده سال است که روزی بانزده ساعت کار میکنم و روزی پنجاه تومان دستمزد می گیرم. در یک اتاق اجاره ای که ماهی چهارصد تومان اجاره آن است، به اتفاق زن و پنج فرزندم زندگی می کنم. بیمه هستم، ولی از مرخصی سالیانه، حق اولاد و سایر مزایا برخوردار نیستم. از وجود سندیکا اطلاعی ندارم. از مقامات مسئول می خواهم که سطح دستمزد ما را بالا ببرند و ساعت کار ما را به هشت ساعت تقلیل دهند، همین.

با کارگر دیگری به نام قاسم مقصودلو، که دلاک گرمابه نوروززاده است، به گفتگو نشستیم:

"از ساعت شش صبح تا هشت بعد از ظهر اینجا

روزی ۲۰ تومان می گیرم و مشتری هام با دادن انعام مقداری از درآمد مرا تامین می کنند. سه سال است که در این حمام کار می کنم. نه بیمه هستم و نه سندیکائی داریم. ماه خانسوار هستیم، که با هم یک خانه به مبلغ صدوهفتاد هزار تومان خریدهایم و هر ماه هزار و صد تومان بابت قسط آن می پردازیم.

دلیم می خواهد وضع ملک درست شود، ارزانی شود، تا ما هم بتوانیم زندگی بجهایمان را اداره کنیم.

کارگر دیگری به نام یدالله اکبری گفت:

"سی و پنج ساله هستم. روزی ده تا دوازده ساعت کار می کنم. روزی شصت و سه تومان دستمزد می گیرم و با انعام مشتریها درآمدم به صدتومان می رسد. بیمه هستم، اما که در مورد وجود سندیکای رسیده بودیم، گفت:

"سدنیکا باید به کار ما برسد. کارگران عضو سدنیکا باید همه از مزایای بیمه استفاده کنند. ولی سدنیگی فعلی به دردمان کارگران نمی رسد و در حال تعطیل است.

از او پرسیدیم: خانه داری؟ در جواب با پوزخندی گفت:

اخبار کارگری

کارگران گرمابه درشان مشترک است

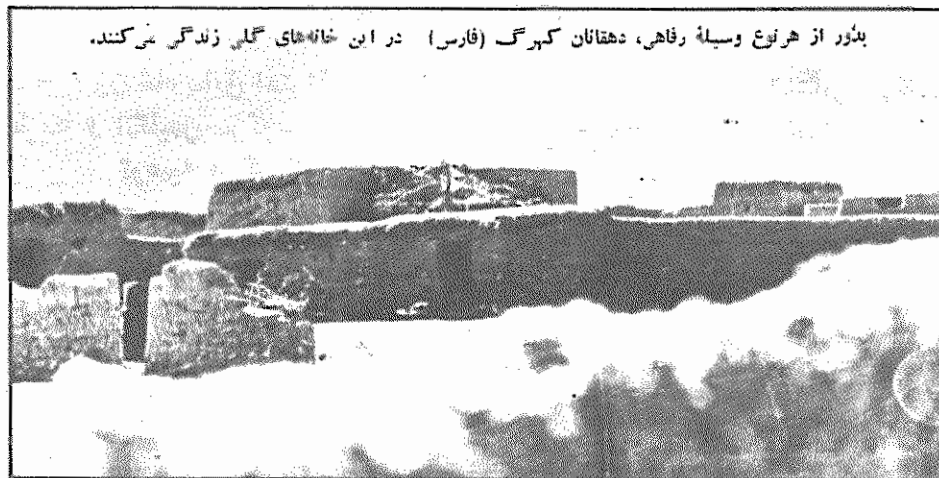
کارگران گرمابهها، که سراسر زندگی شان در گرمای مرطوب و نمناک حمامها سپری می شود، اکثرا به بیماری رماتیسم مبتلا هستند. دردهایشان مشترک، درآمدشان کم و بدنشان خسته است. برای آگاهی از وضع کارگران گرمابهها، با چند تن از آنها به گفتگو نشستیم:

اولین گرمابه مورد نظر ما، به نام گرمابه "لوکس دریا"، در میدان راه آهن تهران واقع شده است. داخل حمام شدید، ولی از مشتری خبری نبود. بایکی از کارگران حمام، بنام سکیته یونسیان روبرو شدیم و از او خواستیم که از زندگی اش برای ما بگوید. او در پاسخ گفت:

"این حمام مشتری کم دارد، بخصوص ماه رمضان، که معمولا تا ظهر بدون مشتری است. من از ساعت ۸ صبح تا ۷ شب اینجا هستم. از زن استاد

گذری به روستا

روستای کهرگ (کوه رگ)



بدر از هرنوع وسیله رفاهی، دهقانان کهرگ (فارس) در این خانه‌های علمی زندگی می‌کنند.

روستای کهرگ در جاده شیراز - خرامه و در ۱۵ کیلومتری خرامه قرار دارد. در این روستا ۲۴ خانوار زندگی می‌کنند، که سابقاً از عشایر کوچنده بودند، ولی حدود ۲۰ سال پیش در این مکان اسکان داده شدند.

در دنباله مطلبی که نامه "مردم" پیرامون - وضع مسائل عشایر ایران داشت، اینک نمونه مشخص این روستا را به شما معرفی می‌کنیم:

وضع خانه‌های مسکونی این روستا بسیار اسباب است و به ندرت سنگ و آهن در آنها می‌توان یافت. مقدار زمین قابل کشت در این روستا نسبتاً زیاد است، ولی بر اثر اصلاحات "نااهانه" ۱ به بعد ریاضی ظلم شده است. عده‌ای بیش از ۲۰ هکتار زمین وعده زیادی فقط ۳-۵ هکتار زمین دارند، ۴-۵ خانوار نیز خوش نشین هستند.

یکی از مالکان متصرف، که حدود ۴۰ هکتار زمین داشت، با استثمار دهقانان، این زمین‌ها را کشت می‌کرد. ولی پس از پیروزی انقلاب، تمام ۲۴ خانوار کهرگ متحداً زمینهای مالک را مصادره و بطور مساوی بین خود تقسیم کردند. یکی از دهقانان در این مورد می‌گوید:

"پس از خلع ید از مالک، خان سابق منطقه پدیدایش شد و ادعا کرد که زمین‌ها مال اوست و به پاسگاه ژاندارمری شکایت برد (چون ما دیدیم که پاسگاه جانب اوری می‌گیرد، به سپاه پاسداران خرامه مراجعه کردیم و گفتیم که این خان زورگو ما را تهدید کرده است که اگر زمین‌ها را پس ندهیم، خانه و خورن و گشت ما را آتش خواهد زد.

خوشحانه سپاه از او تعهد گرفت که اگر خرمن یا محصول کسی آتش بگیرد، مسئول توستی". اقدام مردمی سپاه پاسداران موجب رضایت دهقانان و امیدواری آنان به تدابیر آتی دولت انقلاب شده است، در حالی که ژاندارمری ایجاد ناراضی و عدم اطمینان می‌کرد.

مسئله آب یکی دیگر از مضلات روستائیان - کهرگ است. برای تأمین آب زراعتی بایستی اقدام به حفر چاه و خرید موتور آب کرد، که در دهقانان بی‌جبر از عهده این کار بر نمی‌آیند و در نتیجه مقدار محدودی از زمینهای خود را می‌توانند زیر کشت ببرند. مثلاً یک جوان روستایی می‌گوید:

"ما ۶ خانوار جمع شدیم تا آخر با قرض و - قوله یک موتور آب خریدیم، ولی خانواده من، که ۱۲ هکتار زمین دارد، فقط می‌تواند هکتار یکبار، چون آب نداریم، از آن گذشته، آب این روستا شور است، (چه آب آشامیدنی و چه زراعتی) و از این نظر هم برای زمین زراعتی دهقانان و هم برای شرب آنگان مضر است".

یکی دیگر از روستائیان در مورد کراهه کمترین لب به شکایت می‌کند:

"ما ۶ خانوار جمع شدیم تا آخر با قرض و - قوله یک موتور آب خریدیم، ولی خانواده من، که ۱۲ هکتار زمین دارد، فقط می‌تواند هکتار یکبار، چون آب نداریم، از آن گذشته، آب این روستا شور است، (چه آب آشامیدنی و چه زراعتی) و از این نظر هم برای زمین زراعتی دهقانان و هم برای شرب آنگان مضر است".

یکی دیگر از روستائیان در مورد کراهه کمترین لب به شکایت می‌کند:

"ما ۶ خانوار جمع شدیم تا آخر با قرض و - قوله یک موتور آب خریدیم، ولی خانواده من، که ۱۲ هکتار زمین دارد، فقط می‌تواند هکتار یکبار، چون آب نداریم، از آن گذشته، آب این روستا شور است، (چه آب آشامیدنی و چه زراعتی) و از این نظر هم برای زمین زراعتی دهقانان و هم برای شرب آنگان مضر است".

یکی دیگر از روستائیان در مورد کراهه کمترین لب به شکایت می‌کند:

"ما ۶ خانوار جمع شدیم تا آخر با قرض و - قوله یک موتور آب خریدیم، ولی خانواده من، که ۱۲ هکتار زمین دارد، فقط می‌تواند هکتار یکبار، چون آب نداریم، از آن گذشته، آب این روستا شور است، (چه آب آشامیدنی و چه زراعتی) و از این نظر هم برای زمین زراعتی دهقانان و هم برای شرب آنگان مضر است".

اخبار مهمانی

پائین آمدن آب سد داریوش، بسه علت بی‌توجهی مسئولین شلتوک‌کاری را نابود می‌کند

در نزدیکی روستای مظفری بندجهان قرارداد این سد در زمان طاغوت خراب شد، و برای تعمیر آن یک میلیون تومان بودجه تعیین شد. ولی مسئولین به آن رسیدگی نکردند و بند همانطور خراب ماند. روستائیان مجبورند که هر سال با گل و چوب بند را تعمیر کنند. ولی در اواسط سال آب، گل و چوب را می‌برد و آب به اندازه کافی به زمینها نمی‌رسد. روستائیان خواهان رسیدگی به این مسئله هستند.

روستای مظفری خرامه، یکی از روستاهای ناحیه استان فارس است. قبل از انقلاب مسئولین سد - داریوش از مالکان رشوه می‌گرفتند و آب را بیشتر به زمین آنها می‌رساندند بعد از پیروزی انقلاب و از بین رفتن این مسئله، آب بدون کنترل و سبب بینی به زمینهای کشاورزی منطقه سرشار شد. در نتیجه اکنون آب سدبیین آمده و زمینهای شلتوک‌کاری ده مظفری و روستاهای مجاور بدون آب مانده است، و اگر آب به این شلتوک‌کاری‌ها نرسد، همگی صایع خواهند شد.

به خواستهای اهالی روستای خر آب راه رسیدگی کنید

که هیچ کاری برایمان نمی‌کند، فقط با این وام‌ها مشغولان کرده‌بود، ما از دولت انقلابی می‌خواهیم تا به جای این وام‌ها، چاه عمیق و نیمه عمیق برایمان بزند، تا بتوانیم روستاهایمان را آباد کنیم. همیشه از قدیم گفته‌اند: آب و آبادانی، تا آب نباشد وضعمان از این بهتر نمی‌شود. باید بکنیم بکاریم و حاصل آن هم هیچ است".

برای اینکه روستائیان بتوانند برای شکستن "محاصره اقتصادی" امیرالیه‌تپا و در رأس آنها آبریکا، محصولات بیشتری تولید کنند، باید آب زراعتی کافی در اختیار آنها گذاشت، همچنین با برآوردن دیگر خواستهای رفاهی روستائیان از قبیل: پرداخت وام مؤثر در تولید، درمانگاه، آب - آشامیدنی، مدرسه، حمام و دیگر نیازهای انسانی، می‌توان توطئه‌های ضد انقلاب در روستاها را عقیم گذاشت. پیشنهاد دهقانان در مورد شکل اعطای وام - خدمات مؤثر در تولید و بطور جمعی - کاملاً درست است و باید عملی شود.

روستای خر آب در ۴ فرسخی شمال اراک واقع است. این روستا حدود ۱۸۰ خانوار جمعیت دارد. این روستا همانند دیگر روستاهای وطنمان هیچگونه امکانات رفاهی، ارحله آب لوله‌کشی، مدرسه - راهنمایی، درمانگاه، برق و ... ندارد.

با اینکه این روستا در ۲-۳ کیلومتری حاده اراک - فرمبین واقع است و می‌تواند به راحتی از برق عبوری کنار حاده استفاده کند، ولی به علت عدم امکانات مالی، زمینکشان این روستا نمی‌توانند از برق استفاده کنند.

اهالی روستای خر آب از جهاد سازندگی، این نهاد انقلابی، می‌خواهند که برای برق‌رسانی به این روستا، همانند ساختمان حمام، که توسط آنها در دست احداث است، به آنها کمک شود. یکی از اهالی در ارتباط با وامی که دولت به روستائیان برای بهبود وضع کشاورزی به آنها می‌دهد می‌گوید:

"این وام‌ها هیچ فایده‌ای ندارد. رژیم سابق



عمار هلو خر گام - رودبار زیتون

این دهقان پیر از پای در نیامده است. باو باید کمک کرد، تا نقد راست کند و از زمین معقول کافی بردارد

پاسخ مسئولین

بخواستهای دهقانان

در پاسخ یک خبردهقانی مندرج در نامه "مردم"، شماره ۲۷۶، مورخ ۵۹/۴/۱۶، نامه‌ای از طرف مدیر عامل شرکت برق منطقه‌ای گیلان با شماره ۱۵۷۱۶ - ۵۹/۶/۸ به دفتر نامه "مردم" ارسال گردیده، که عیناً به شرح زیر نقل می‌گردد:

"تأمین برق روستاهای گراکو، رجاکو و کوفتورود واقع در حومه بیربازار رشت، با توجه به اعتبارات تخصیصی و عدم امکانات اجرایی در سال جاری مقدور نمی‌باشد. نامه "مردم" - ضمن تشکر از حسن توجه مقامات مسئول، امید است که در سال آتی برق روستاهای نامبرده تأمین و گوشه‌ای از مشکلات دهقانان رفع شود.

در پاسخ گزارشی از روستاهای کوچصفهان گیلان مندرج در نامه "مردم" شماره ۲۷۶، مورخ ۵۹/۴/۱۶، نامه‌ای با شماره ۱۵۷۱۸ - ۵۹/۶/۲ از طرف مدیرعامل برق منطقه‌ای گیلان به دفتر نامه "مردم" ارسال گردیده است، که مطالب آن عیناً نقل می‌گردد:

"برق رسانی به روستاها با توجه به اعتبارات تخصیصی و امکانات اجرایی و براساس برنامه تنظیمی و رعایت اولویتهای انجام می‌شود و روستاهای بخش کوچصفهان نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشند. نامه "مردم" - ضمن تشکر از حسن توجه مقامات مسئول، امیدواریم که مشکلات این روستاها نیز به موقع خود رفع شود و بدین ترتیب نقصانهای موجود در روستاهای کشاورز حمله در منطقه گیلان کاستی یابد.

افتتاح دومین نمایشگاه جهانی صنایع بهداشت در مسکو

بازدیدکنندگان غرفه شوروی بویژه با چگونگی عملکرد سیستم یریدیلکسی در اتحاد شوروی، که رکن اصلی بهداشت را تشکیل می‌دهد و با کارسرویسهای اختصاصی (کار دیپولوزی، سرلمان شناسی، اوردزاس و حفاظت از تسدرستی مادران و کودکان) آشنا می‌شوند. برای بازدیدکنندگان این ارقام جالب توجه خواهد بود: در حال حاضر در اتحاد شوروی شش میلیون نفر پرسنل پزشکی از سلامت و تسدرستی افراد شوروی حراست می‌کنند. تنها در عرض ۱۵ سال اخیر شمار پزشکان شوروی دوبار افزایش یافته است و اکنون به رقم یک میلیون نفر نزدیک می‌شود، که این تقریباً برابر با یک سوم تعداد کل پزشکان جهان است. در اتحاد شوروی بیش از ۳۵ هزار درمانگاه و پلی کلینیک وجود دارد، که متجاوز از ۲۰ میلیارد ویزیت پزشکی در آنها صورت می‌گیرد (حق ویزیت همانند هزینه کلیه کمکهای پزشکی از طرف دولت پرداخت می‌شود). در حال حاضر بیش از ۳۲ میلیون تختخواب برای بستری شدن بیماران در بیمارستان های شوروی وجود دارد. اتحاد شوروی از لحاظ کمک درمانی یکی از مقام های اول جهان را داراست. تأثیر و عملکرد این سیستم بهداشت را می‌توان براساس در روزهای کار نمایشگاه تشکیل پیرامون وضع فعلی و دورنمای پیشرفت علم طب، آنگاه شوند.

بهداشت در سال ۱۹۷۴، به ابتکار دولت شوروی، در مسکو تشکیل شد. در دومین نمایشگاه بین المللی، توسط قریب هزار شرکت و کارخانه، بیش از ۸ هزار دستگاه و ابزار طبی بنمایش گذاشته شده است. طی این سالها رشته پزشکی با سبکهای متعدد جدید پیشگیری، تشخیص و معالجه بیماریها غنیتر شده و سطح تجویز فنی آن فوق العاده بالا رفته است. ما می‌توانیم امروز از دستاوردهای این نمایشگاه در رشته‌های ماوراء صوت، کری یون (سرمائزانی) و لایز سخن بگوئیم. برای مثال، در غرفه شوروی بیش از ۱۰ نوع دستگاه طبی در جراحی، که از سیستم لایز استفاده می‌کنند و هم‌اکنون در کارخانه‌ها ساخته می‌شوند، به معرض نمایش گذاشته شده است. از جمله این دستگاهها می‌توان از دستگاههای انرژی زیاد نام برد، که در معالجه سرطان بکار برده می‌شوند و همچنین لایزهای اسکالپل (چاقوی جراحی) که در عین حال خاصیت ضد عفونی و هوستاتیک (جلوگیری از خونریزی) دارند، می‌توان نام برد. اسکالپل ۲۰ - یکی از آخرین مدلهای کاردهای جراحی است، که به جراحان امکان می‌دهد، تا همزمان با عملیات جراحی جدی در داخل بدن، کار بخیه‌زنی را هم با موفقیت انجام دهند.

مهندسين شوروی يك سری کارد جراحی با فرکانس رادیویی دو-کو- آکسولیاوور (منفقدکننده خون) ساخته‌اند، که عملاً در تمام رشته های جراحی قابل استفاده است. این دستگاهها با استفاده از ترانزیستور- های قوی، مدارهای انتگرال و سیستمهای تثبیت فرکانس ساخته شده‌اند. در غرفه شوروی، که در آن جمعا ۳۲۰۰ دستگاه و ابزار طبی به معرض نمایش گذاشته شده است، می‌توان انواع جدید تجهیزات مخصوص سوسسات طبی، یریدیلکسی و دستگاههای گوناگونی را دید، که کار پرسنل درمانگاهها را آسان می‌سازند و آنها را از کار بی‌رحمت جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات لازم نجات می‌دهند. امروزه توسعه بهداشت تاحد زیادی وابسته به پیشرفت تکنیک پزشکی است. و این امر یکی از مسائل پیچیده و بفرنجی است که در مقابل خدمات بهداشتی قرار دارد. تصادفی نیست که نمایشگاه، بنام "بهداشت - ۸۰" نامیده می‌شود. در این نمایشگاه نه تنها دستگاههای مجزا (ناگفته نماند که به‌سرخلاف نمایشگاه قبلی، تمام این دستگاهها در عمل دیده می‌شوند) بلکه تجهیزات فنی خدمات پزشکی و سیستم بهداشت نیز به معرض نمایش گذاشته شده‌اند.

درجهان سوسیالیسم

در کشورهای اروپائی «شورای همیاری اقتصادی» کارگران اکثریت مطلق جامعه را تشکیل میدهند

جدول زیر شماره کارگران کشورهای اروپایی شورای همیاری اقتصادی را (به هزار) نشان میدهد:

Table with 4 columns: Country, 1949, 1957, and another column. Rows include Bulgaria, Hungary, Czechoslovakia, Poland, Rumania, and USSR.

بسیار و پنج سال پیش تنها در جمهوری دموکراتیک آلمان و چکسلواکی طبقه کارگر در اکثریت بود، در مجارستان و اتحاد شوروی بزرگترین گروه اجتماعی را تشکیل میداد (بیش از دویستم سکنه)؛ در بلغارستان، لهستان و رومانی یک پنجم تا یک سوم جمعیت بود.

در دهه گذشته، در همه این کشورها کارگران و خانواده‌هایشان اکثریت مطلق جمعیت را تشکیل میدهند: در بلغارستان، مجارستان و چکسلواکی در حدود سه پنجم و در لهستان بیش از پنجاه درصد.

درجهان سرمایه‌داری

بازار کار خاکستری - بازار «مدرن» پرده فروشی

"بازار کار خاکستری" اصطلاحی است، که به "عاریه" دادن قانونی و غیرقانونی نیروی کار در کشورهای سرمایه‌داری اطلاق میشود. این پرده فروشی مدرن، یکی از انسانی‌ترین انواع "بازار کار" در جامعه سرمایه‌داری بشمار میرود، که در نیروی کار چیزی جز کالای سود برور نمی‌بیند.

در "بازار کار خاکستری"، موسساتی پدید آمده‌اند که بیکارها، زنان و مهاجران و غیره را برای ساعات، روزها و ماههای معین به کارفرمایان قرض میدهند. کارفرمایان، از این راه، نه تنها خود را از "قید" سندیکاها آزاد میکنند، بلکه مقادیر زیادی مالیات و بیمه اجتماعی را نیز به جیب خود می‌ریزند.

در ایالات متحده آمریکا، در کالیفرنیا، پرده فروشان قرن بیستم، کارگران روستایی "خود" و مهاجران مکزیک را در اختیار مزرعه‌داران قرار میدهند. در فرانسه چندی پیش، موسسه‌ای که به تجارت با کارگران ترک می‌پرداخت، سر و صدای فراوانی بپا کرد. پینوشته "ویپر تشافتز ووخه" (دولسدورف)، "کشورهای" جامعه اروپا به کانونهای پرده فروشی غیر قانونی مبدل شده‌اند. بموجب آمار "فدراسیون سندیکاها آلمان"، در آلمان غربی حداقل ده هزار موسسه عاریه نیروی کار موجود است، که در حدود ۵۰۰ هزار کارگر در اختیار دارد. تنها ۱۲۰۰ از ده هزار موسسه نامبرده، سالانه درآمدی بیش از ۵۰۰ میلیون مارک عایدشان میشود.

تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

در مطبوعات کشور

لیبرال‌ها را برانید

این سخنی بود که یک روز می‌بایست با صراحت گفته می‌شد. مردم انقلاب نکرده‌اند که زمام آن را به دست لیبرال‌ها بسپارند. و ممکن است انسان بدون آنکه خود متوجه شود، اسیر مجتذوکی‌ها و تحریکات لیبرال‌ها و کسانی گردد که معلوم نیست چه کاره‌اند، و به همان راه کشانده شود که آنان می‌خواهند. آیاتا کنون در همین راه باطل گامهایی بر نهاده است؟

... سرمست‌فین نباید بار دیگر شیرمالیده شود و نمی‌شود. ای کسانی که از صمیم قلب می‌خواهید از مصالح و منافع مستضعفین پاسداری کنید! وظیفه‌ای بس عظیم بر عهده شما قرار دارد. انقلاب اسلامی مستضعفین را از شر لیبرال‌ها نجات بخشد.

(آزادگان - ۲۵ شهریور ۵۹)

رویدادهای جهان

وزیر اوقاف سوریه: اتحاد شوروی دوست اعراب و مسلمانان است

در کنفرانس بزرگ مسلمانان اتحاد شوروی، که در تاشکند برپا شده است، محمد الخاطب، وزیر اوقاف سوریه گفت: "اتحاد شوروی دوست اعراب و مسلمانان است و ما امروز در مبارزه دشوار برای بازپس‌اندادن حقوق حقه مردم فلسطین این حمایت را احساس می‌کنیم" وی گفت:

"محافل ارتجاعی می‌خواهند وحدت مسلمانان را از میان ببرند و در این تلاش، به امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم خدمت میکنند و بدین ترتیب اجازه میدهند که معاملات خائنانانه - ای مانند کمپ دیوید امضاء شود."

محمد الخاطب گفت: "صهیونیست‌ها دست به جنایت جدیدی زده و بیت المقدس را به خاک خود منضم کرده‌اند" مقام برجسته سوریه تاکید کرد که مطبوعات اسلامی می‌توانند نقش بسیار بزرگی در افشای این جنایات بعیده گیرند و وظیفه مقدس خود را در این زمینه ایفا کنند.

بدنبال دیدار رهبران دو کشور: مقدمات وحدت سوریه و لیبی فراهم شد

حزب سوسیالیست بعث عرب سوریه و کنفرانس عمومی خلق لیبی اعلام کردند که بزودی اجلاسی برای ایجاد ارگانهای حکومتی یک کشور واحد تشکیل خواهند داد. این تصمیم در پایان دیدار حافظ اسد، رئیس جمهور سوریه از لیبی و مذاکره با معمر القذافی رهبر این کشور اتخاذ شد.

در بیانیه مشترک، که در دمشق صادر شد، سوریه و لیبی تصمیم گرفته‌اند در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به وحدت کامل برسند. در این بیانیه اضافه میشود که وحدت دو کشور برای خنثی کردن توطئه‌های امپریالیسم و صهیونیسم و یافتن راه‌حل عادلانه برای مسئله خاور میانه اهمیت اساسی دارد.

مبارزه پیگیر با بیسوادی در آنگولا

گزارش‌های رسیده از آنگولا نشان میدهد که مبارزه گسترده با بیسوادی در سراسر کشور با شدت ادامه دارد.

مردم آنگولا که در جریان حکومت استعماری صدها ساله در جهل و بی‌خبری نگاهداشته شده بودند، با شور و شوق فراوان در کلاسهای مبارزه با بیسوادی شرکت میکنند. تاکنون صدها هزار نفر با سواد شده‌اند و بیش از یک میلیون نفر از بزرگسالان در حال حاضر در کلاسهای مبارزه با بیسوادی شرکت می‌کنند.

دولت انقلابی آنگولا، برغم توطئه‌های نژادپرستان آفریقای جنوبی و حملات مکرر نیروهای نژادپرست به خاک آنگولا، برنامه‌های وسیعی در کارخانه‌ها، مزارع، سربازخانه‌ها، تعاونی‌ها و غیره برای از میان بردن بیسوادی اجرا می‌کند. دولت انقلابی آنگولا ابراز اطمینان می‌کند که خلق آنگولا بر همه توطئه‌های نژادپرستان آفریقای جنوبی غلبه خواهد کرد.

سرکوب و ترور مبارزان در آفریقای جنوبی شدت یافت

کنفرانس همبستگی با مبارزه خلق نامی بیسوا برای آزادی و استقلال درپاریس برپا شده است. در این کنفرانس، نمایندگان احزاب سیاسی ترقیخواه و اتحادیه‌های کارگری آسیا، آفریقا، آمریکا لاتین و اروپا شرکت دارند.

سام نیوما، رهبر سازمان خلق آفریقای جنوب غربی (سواپو) - سازمانی که برای استقلال نامیبیا با نژادپرستان آفریقای جنوبی بیکار میکند، اعلام کرد:

"رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی به هیچوجه قصد ندارد مسئله نامی بیا را حل کند، بلکه برعکس سرکوب و ترور علیه مبارزان راه آزادی را افزایش داده است."

سام نیوما تاکید کرد که نژادپرستان آفریقای جنوبی خاک نامی بیا را به پایگاه حمله به کشورهای همسایه از جمله آنگولا تبدیل کرده‌اند.

رهبر "سواپو" گفت: "آمریکا، انگلیس، فرانسه و دیگر کشورهای غربی در مورد مسئله نامی بیا سیاست ریاکارانه‌ای در پیش گرفته‌اند."

رویدادهای ایران

* فرح زن شاه سابق اعتراف می‌کند: آمریکا و انگلیس سرکوب نظامی را توصیه می‌کردند

فرح، زن شاه سابق، که به ویژه در ماه‌های آخر سلطنت ننگین محمدرضا در اداره کشور، که آن روزها معنائی غیر از سرکوب انقلابیون نمی‌داد، اعتراف کرده است که، آمریکا و انگلیس سرکوب نظامی مردم را توصیه می‌کردند. او گفته است:

"آمریکا و انگلیس طی سال ۱۳۵۷ به او (شاه) وعده پشتیبانی می‌دادند. آنها رسماً اعلام میکردند که شاه بهتر است روش‌های مسالمت آمیزی را با مردم به کار ببرد، در حالی که در حقیقت سرکوب نظامی را، که بتواند به بحران اجتماعی، که تولید نفث را برای جهان غرب به مخاطره می‌انداخت، خاتمه دهد، توصیه می‌کردند."

فرح، همچنین در مصاحبه خود که چند روز قبل از مرگ شاه انجام گرفته، اعتراف کرده است که آمریکایی‌ها قصد دارند شاه سابق را بکشند. او گفته است:

"اگر قرار باشد روزی شاه را بکشند این را بطرز ماهرانه‌ای انجام خواهند داد، مثلاً به صورت یک تصادف. بهرحال کسانی که به این کار دست می‌زنند برای خفه کردن خیلی از سروصداها در جهت منافع کشور خود قادرند چنین کاری بکنند."

ضد انقلاب آشکارا برای کودتاچیان اعدای راه پیمائی می‌کند

به دنبال اعدام یکی از کودتاچیان موسوم به غلامحسین خرقانی، عده‌ای از عوامل ضدانقلاب، متشکل از قاچاقچیان، اوباش و ساواکی‌ها، در خیابان مرتضوی تهران به عنوان عزاداری، تبلیغات وسیعی علیه انقلاب به راه انداختند. این افراد با نصب پارچه‌های سیاه و دادن شعارهای ضدانقلابی، انقلاب را به رهبری انقلاب توهین کردند. به دنبال این عمل، که منجر به دخالت سازمان موران کمیته انقلاب و سپاه پاسداران شد، عده‌ای از اهالی خیابان مرتضوی برای مبارزه با عوامل ضد انقلاب و توطئه‌های آنان گرد هم آمدند. در این زمینه، اولین کار مردم تکثیر اعلامیه‌ای از انجمن مسلمانان غرب تهران و بخش آن در سحله بود. در این اعلامیه، ضمن حمله به آمریکای جنایتکار و افشای عوامل آن در ایران، از همه مردم خواسته شده است که در برابر سینه‌های مانده‌های رژیم سابق ساکت ننشینند و قاطعانه جلو حامیان کودتاگران را بگیرند.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

شرکت نامه مردم، در جشن «نوی واگ»، ارگان مرکزی حزب چپ - کمونیستهای سوئد

جشن سالیانه روزنامه "نوی داگ" ارگان مرکزی حزب چپ - کمونیست‌های سوئد، در روزهای ۱-۲ شهریور ۱۳۵۹ در استکهلم برگزار شد. در این جشن، که زیر شعار "مبارزه برای صلح، دمکراسی و سوسیالیسم" انجام گرفت، ده‌ها هزار نفر از زحمتکشان سوئد شرکت کردند. نمایندگان بسیاری از روزنامه‌های ارگان احزاب برادر نیز مهمان رفقای سوئدی بودند. از جانب "نامه مردم"، ارگان مرکزی حزب توده ایران، سازمان حزب توده ایران در سوئد در جشن "نوی داگ" شرکت داشت.

رفقای مقیم سوئد شریات گوناگونی را درباره اوضاع سیاسی ایران و مبارزه خستگی‌ناپذیر حزب توده ایران علیه امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و پشتیبانی همه جانبه از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، در اختیار شرکت کنندگان قرار دادند. مجموعه‌ای از بلاکاتها و عکس‌های حزب توده ایران نیز به نمایش گذاشته شد. از دیگر فعالان توده‌ای نمایندگان نامه مردم "در جشن نوی داگ"، گردآوری پول برای خانه حزب بود.

بر بلند بلند ایران...

"... نام پرافتخار حزب توده ایران را بر تابلو نوشتیم و بر بالاترین نقطه دماوند، بلندترین نقطه ایران عزیز قرارش دادیم، به امید اینکه همیشه در اوج باقی بماند..."

یکی از هواداران حزب توده ایران، تابلو حزب پرافتخار خود را بر بلندترین نقطه دماوند نصب کرد. او در ادامه شرح ماجرا می‌نویسد: "قوتی رنگ را رفقای حزبی روز پیش از صعود ما در قله گذارده بودند، تابلو را هم رفقای دیگر سال گذشته، بر نوک دماوند نصب کرده بودند. ما با آن رنگ بر آن تابلو، چون جانداشت، فقط نام پرافتخار حزب توده ایران را نوشتیم..."

مردم کرج خواهان دستگیری رئیس ساواک این شهر هستند

به دنبال آزاد شدن سرهنگ پرنیانی، رئیس ساواک کرج از زندان، مردم کرج به شدت به این عمل اعتراض دارند و خواستار دستگیری وی و اجرای عدالت در مورد او هستند. سرهنگ پرنیانی، با توجه به جنایات ساواک در کرج، بنام حکم آیت اله خلیفای محکوم به اعدام بود. لیکن مدت محکومیت او از طرف دادستانی - کرج، ابتدا به ده سال تقلیل یافت و سپس چندی پیش آزاد شد. آزادی این فرد ضدانقلابی موجب نگرانی وسیع مردم کرج شده و آیت اله خلیفای مجدد از دادستان کرج خواستار است، که این شخص را دستگیر و محاربات کند.

در ارتباط با همین موضوع، از طرف جوانان مسلمان پیرو امام کرج، اطلاعیه‌ای صادر شد. در این اطلاعیه، ضمن اعتراض به آزادی سرهنگ پرنیانی آمده است:

"پس از سیری شدن چند ماهی از انقلاب - شگوهند اسلامی ایران به رهبری امام خمینی، ما شاهد آزاد شدن جنایان و شکنجه‌گران رژیم منحط پهلوی و رؤسای ساواک و شهربانی در کرج هستیم، که این نشان دهنده پایمال شدن خون هزاران شهید است که به دست این جنایان تاریخ ریخته شده و دادگاه انقلاب اسلامی کرج با این کار خود دوباره اجازه می‌دهد که جنایان ساواک و شهربانی به اجتماع بازگردند تا بتوانند دوباره اعمال ضدانقلابی خود را از سر بگیرند."

چماق‌داران زیر نقاب مذهب به رهبر انقلاب توهین می‌کنند

عوامل مزدور امپریالیسم آمریکا در میهنمان، اخیراً فعالیت‌های خود را تشدید کرده‌اند. تاکنون چند بار چماق‌دارانی، که قیافه "مذهبی" به خود گرفته‌اند، در خیابان دکتر فاطمی (آریامهر سابق) دست به تظاهرات زده‌اند و ضمن شکستن دروینچه‌ها بر ضد رهبر انقلاب شعارهای توهین آمیز بر زبان آورده‌اند. نمونه‌ای از این تظاهرات، درست روز قبل از کودتای نافرجام ۱۸ تیر بوده است. با اینگونه اعمال، که در جهت تقویت روحیه عوامل ضدانقلاب صورت می‌گیرد، باید با فاطمیت روبرو شد. ستولان اسطفاپی شهر، به خصوص پاسداران انقلاب، باید با هوشیاری انقلابی خود افرادی را که در اینگونه تظاهرات شرکت می‌کنند، بازداشت کنند و با بازجویی و محاکمه آنان، سر نخ گروهکهای ضدانقلابی خرابکار را بدست آورند.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

جشن سالیانه روزنامه "نوی داگ" ارگان مرکزی حزب چپ - کمونیست‌های سوئد، در روزهای ۱-۲ شهریور ۱۳۵۹ در استکهلم برگزار شد. در این جشن، که زیر شعار "مبارزه برای صلح، دمکراسی و سوسیالیسم" انجام گرفت، ده‌ها هزار نفر از زحمتکشان سوئد شرکت کردند. نمایندگان بسیاری از روزنامه‌های ارگان احزاب برادر نیز مهمان رفقای سوئدی بودند. از جانب "نامه مردم"، ارگان مرکزی حزب توده ایران، سازمان حزب توده ایران در سوئد در جشن "نوی داگ" شرکت داشت.



کودتای نظامی امریکائی در ترکیه و خطرات ناشی از آن برای انقلاب ایران

پایگاه نظامی و سریل تجاوز علیه جمهوری اسلامی ایران، جمهوری دموکراتیک افغانستان و کشورهای عضو جبهه پایداری از آنجمله سازمان آزادیبخش فلسطین، از این جمله است تقویت نیروی نظامی اسرائیل، مصر، عربستان سعودی، عمان، پاکستان، امارات عربی، پشتیبانی و وا داشتن دولت بعثی عراق در عملیات تجاوزی علیه جمهوری اسلامی ایران، تاسیس پایگاههای نظامی جدید در خاک این کشورها و تبدیل بندر بربرا در سومالی به پایگاه نظامی دریایی. همه این اقدامات حلقهات زنجیره واحدی هستند که امریالیسم آمریکا بمنظور محاصره نظامی کشورهای مستقل ملی این منطقه و در درجه اول جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است.

تدارک و انجام کودتای نظامی در ترکیه بدست ژنرالهای عالیترتبه وابسته به آمریکا جزئی از همین تدابیر و برای همان منظور است. علاوه بر این تمام طرحهای توطئه ها و مداخلات نظامی آمریکا که علیه جمهوری اسلامی ایران تدوین شده و گروههای ضد انقلاب، مرکز از ارتشیان و ساواکیهای فراری ایران از عناصر اجرائی موثر آن هستند برهبری ماموران دوائر جاسوسی و وزارت دفاع آمریکا در این کشورهای وابسته به امریالیسم آمریکا بسیج میشوند و تمرین می بینند و آماده میگردند. بدین ترتیب کودتای نظامی امریکائی در ترکیه ضمن اهدافی که در مورد خود کشور ترکیه بسود امریالیسم آمریکا عملی میسازد یکی از حلقه های محاصره نظامی بشمار میرود که امریالیسم آمریکا دیوانه وار میکوشد به دور جمهوری اسلامی ایران بکشد.

هدف آمریکا از سازمان دادن کودتای ترکیه علاوه بر سرکوب جنبش رهایی بخش و استقلال طلبانه مردم ترکیه و تحمیل یک دیکتاتوری نظامی فاشیستی بر آنها، ایجاد کانون خطرناک جدید تشنجات جنگ - طلبانه و مرکز فعال توطئه و مداخله نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران است.

از سوی دیگر عضویت ترکیه در پیمان نظامی تجاوزکار ناتو با موقعیت جغرافیائی و استراتژیکی نظامی آن، هم مرز بودن با اتحاد شوروی و جمهوری اسلامی ایران برای امریالیسم آمریکا، از چنان اهمیت و حساسیتی برخوردار بود که هرگونه تغییری در آن بمقتدیه استراتژیهای وزارت جنگ و «سپاه» آمریکا میتواندست پی آمدهای زیانبار و جبرانناپذیری برای امریالیسم آمریکا و دیگر دول امریالیستی عضو پیمان ناتو به همراه داشته باشد.

امریالیسم آمریکا، که در نتیجه پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران و پیروزی انقلاب دموکراتیک مردم افغانستان و استحکام مبانی اتحاد و همبستگی کشورهای عضو جبهه پایداری در برابر تجاوز اسرائیل و همه جنبشها و نیروهای ترقیخواه منطقه مجموعه سیاست و استراتژی نظامی خود را به مقیاس منطقه و در سطح جهانی با شکستی محتوم و جبرانناپذیر روبرو می بیند برای نجات از چنین شکستی بر وسعت توطئه ها و تدارکات جنگی و حضور نظامی خود در این منطقه در دو زمینه تلاش میکند: از یکسو مستقیما تقویت نیروهای نظامی دریائی و هوائی خود و استقرار واحدهای از نیروی واکنش سریع در منطقه خلیج فارس، تنگه هرمز و اقیانوس هند و بازسازی و گسترش پایگاههای نظامی دریائی و هوائی خود در این منطقه، ازسوی دیگر بطور غیرمستقیم و به صورت افزایش کمکهای نظامی و تسلیحاتی به رژیمهای وابسته و دست نشانده خویش در کشورهای منطقه و تبدیل سرزمین این کشورها به

در فکر خاتمه دادن به چنین سیاستی و اتخاذ تدابیر جدی برای سالم سازی اقتصاد در راستای قطع وابستگی های سیاسی و نظامی و اقتصادی به دول امریالیستی و در درجه اول امریالیسم آمریکا باشند. برعکس آنها راه تمسک و گسترش هرچه بیشتر این وابستگی را دنبال میکنند. همه اینها و تمهید و واگذاری پایگاه های نظامی به امریالیسم آمریکا و هم پیوندی نظامی هرچه بیشتر با پیمان نظامی ناتو موجب ناراضی روز افزون مردم شد و در نتیجه خواست تحولات بنیادی در تمام شئون اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در میان اقشار و توده های وسیع جامعه مطرح گردید.

تحولات انقلابی در منطقه و بویژه پیروزی انقلاب شکوهمند ایران و استقرار جمهوری اسلامی ایران موجب انحلال پیمان نظامی سنتو گردید، و پیروزی انقلاب دموکراتیک مردم افغانستان از عوامل مثبت و مهمی بودند که تأثیرات جدی و عمیق در بین مردم ترکیه باقی گذاشتند و میتوانستند در روند تکامل رویدادهای ترکیه تأثیراتی مثبت در جهت تضعیف و از دست رفتن مواضع سیاسی و نظامی امریالیسم جهانی به سرکردگی امریالیسم آمریکا در ترکیه داشته باشند. بهمین علت امریالیسم آمریکا بر آن شد که با توسل به شیوه آزموده خود در مناطق مختلف جهان، یعنی کودتای نظامی، گروه ژنرالهای سرسپرده خویش را بر کشور حاکم سازد و روند تکامل حوادثی را که سرانجام آن میتواندست برای امریالیسم آمریکا زیانهای سنگینتری را همراه داشته باشد متوقف نماید.

پس از کودتای نظامی امریکائی در ترکیه که مت چهار بامداد روز جمعه به سرکردگی ژنرال ان اورن رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح ترکیه نام گرفت کابینه و پارلمان کشور منحل اعلام شد قانون اساسی به حالت تعلیق درآمد. ژنرال کنان اورن کرده کودتاچیان که مقام ریاست شورای نظامی را بده گرفت و ۲۴ ساعت پس از اجرای کودتا خود را س جمهوری ترکیه اعلام کرد، انگیزه عمده این کودتا گسترش موج تروریسم و نابسامانی وضع اقتصادی نبود عنوان کرد.

مبارزات سیاسی در پارلمان ترکیه که طی چندماه نیز بر سر انتخاب رئیس جمهوری در گرفته بود، از امل برانگیزنده تشنجات حادی بود که طی چندماه نیز سراسر ترکیه را فرا گرفته بود. جو حاکم بر شور موجب درگیریهایی شدید و گسترش موج ملیات تروریستی در ترکیه شد. بود که محافل افراطی ست گرا و چپ نمایانی که عملا بسود نقشه آمریکا بل میکردند، بدان دامن میزدند. در نتیجه این گیریهای خشونت آمیز طی چند ماهی که از سال اری میگذرد در حدود ۱۸۰۰ نفر قربانی این اقدامات و ریستی شدند. ترورها عمدتا از جانب نیروها و عناصر رابطی راستگرا و گروههای ماؤیستی، علیه عناصر نیروهای ترقیخواه انجام میگرفت.

بحران سیاسی که در ترکیه روز بروز عمیق تر میشد و تمام حیات اجتماعی و سیاسی کشور را دچار رنج و مرع و ناامنی کرده بود ناشی از بحران اقتصادی میق و همه جانبه ای بود که از مدت ها قبل بر اثر سلطه مرمایه داران وابسته و زمینداران کلان و وابستگی بیق به انحصارات امریالیستی و همچنین در نتیجه سیاست نظامیگری و شرکت در پیمانهای نظامی امریالیستی گریبانگیر ترکیه گشته بود. زمامداران این کشور، به اقتضای ماهیت طبقاتی شان اصولا نمیتوانستند

اعلامیه سازمان جوانان توده ایران - رشت به مناسبت حمله به دفتر سازمان در رشت: در شرایط حساس کنونی، اعمال قانون شکنانه، تشنج آفرین و ایجاد ناراضی به نفع انقلاب نیست

مردم مبارز رشت، جوانان و دانش آموزان انقلابی! ساعت بیست و سه (۲۳) شب سه شنبه ۲۴ شهریور ۱۳۵۹ عده ای از افراد تحریک شده، که در بین شان تعدادی چاقو کش، ماؤیست و ساواکی نیز دیده شده اند، به دفتر سازمان جوانان توده ایران و کانون دانش آموزان ایران در رشت حمله کردند و بمدار تخریب ساختمان و آتش زدن کلیه کتابها، نشریات و اثاثیه موجود در ساختمان، در جلو چشم پاسداران و ماموران انتظامی آنها به اشغال خود درآوردند.

همانگونه که امام خمینی رهبر انقلاب، آیت الله موسوی اردبیلی دادستان کل کشور و دیگر مسئولین و مقامات جمهوری اسلامی ایران اعلام کرده اند و ما نیز بکرات متذکر شده ایم، اینگونه اعمال خودسرانه و ناقض اصول مصرحه در قانون اساسی، باعث هرج و مرج، تفرقه صفوف مبارزان راستین ضد امریالیست و باعث خوشحالی ضد انقلابیون و کودتاچیان منتظر فرصت خواهد شد.

ما از مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران و مقامات مسئول در استان گیلان و شهرستان رشت میبرسیم: با اینکه آقای موسوی اردبیلی دادستان کل کشور اعلام کرده اند: «اگر افرادی به این کار ادامه دهند تحت تعقیب قانونی قرار خواهند گرفت»، چگونه باز عده ای میتوانند بدون تعقیب قانونی، بخود اجازه دهند که ساختمان یک سازمان علمی، قانونی و در خط انقلاب را اینچنین تخریب کنند و آنها باشغال خود درآوردند؟ چرا جلوی اعمال خرابکارانه و ضد انقلابی این افراد گرفته نمیشود؟ سازمان جوانان توده ایران باستاد نشریات و اعلامیه های خود، بمنابۀ یکی از شایسته ترین سازمانهای پیشواز جوانان ایران - چه قبل و چه بعد از انقلاب شکوهمند مردم ایران - همواره نقش انقلابی، دشمن برانداز و سازنده خود را، در پشتیبانی از خط قاطع و سازشناپذیر امام خمینی ایفا کرده است. به عقیده ما حمله به دفتر سازمان ما، حمله به دفتر یکی از رزمنده ترین گردانهای مبارز ضد امریالیست است، و نتیجتا عملی است - آگاهانه یا ناآگاهانه - به نفع امریالیسم جهانی، بسرکردگی امریالیسم آمریکا، و ایادی مزدور داخلی آن، که در شرایط حساس کنونی با تمام توان اهریمنی خویش، گسترده ترین توطئه ها را یکی پس از دیگری، علیه جمهوری اسلامی ایران سازمان میدهند.

براین اساس، سازمان جوانان توده ایران - رشت شدیداً اعتراض خویش را نسبت به این یورش وحشیانه اعلام میدارد و علیه این اقدامات اعلام جرم میکند و از مقامات جمهوری اسلامی ایران و مسئولین امر در استان گیلان میطلبد که نسبت به دستگیری و مجازات عوامل این یورش و نسبت به استرداد دفتر سازمان ما در رشت و اموال موجود در آن هرچه سریعتر اقدام کنند.

مردم مبارز رشت، جوانان و دانش آموزان انقلابی! در این شرایط حساس و سرنوشت ساز، که انقلاب در معرض خطر جدی امریالیسم و عمال داخلی آن قرار دارد، ضرورت حفظ هوشیاری، خونسردی و اتحاد همه نیروهای مترقی و ضد امریالیست در جهت حفظ و تحکیم و گسترش انقلاب شکوهمند مردم ایران و دستاوردهای آن امری حیاتی است. بکوشیم تا با تحکیم اتحاد خود دسیسه های امریالیسم و ضد انقلاب را در جهت ایجاد تفرقه، تشنج و درگیری نقش بر آب سازیم.

سازمان جوانان توده ایران - رشت ۲۴ شهریور ۱۳۵۹

در آستانه گشایش کارزار انتخاباتی در پرتغال «ائتلاف خلق متحد»، دمکراتها و ضد فاشیست های پرتغال را به اتحاد فرا میخواند

تسن جزو نامزدهای «ائتلاف دمکراتیک» هستند و بنوشته «اودریو»، تمام قرائن حاکی از آنست که «سائوتیو» (مقر دولت و پارلمان) به ستاد مرکزی انتخاباتی «ائتلاف دمکراتیک» مبدل خواهد شد.

اما چنانچه از خوشبینی هدفمندانه «ائتلاف دمکراتیک» بگذریم و به برخی از واقیعات سیاسی پرتغال بنگریم، چنین می نماید که پیروزی راستگرایان چندان مسلم نیست. در این زمینه، میتوان از «یادبرن»، تقریباً همه مواضع انتخاباتی از سوی «ائتلاف دمکراتیک»، گاهی پیوسته سطح زندگی، محدودیت حقوق زحمت کشان، رویارویی مداوم با سندیکاها و کارگران روستایی «آلتیو»، رئیس جمهور، «شورای انقلاب» دادگاهها و حتی قانون اساسی نام برد. فزون براین، دولت کنونی پیش نویس قانون انتخاباتی جدیدی را نیز تهیه کرده است که هدف آن تغییر باز هم بیشتر قانون فعلی در راستای منافع «ائتلاف دمکراتیک» است. «شورای انقلاب» این پیش نویس را مغایر با قانون اساسی اعلام کرده و تاکنون مانع از طرح آن شده است.

ناظران سیاسی در لیسبون این پدیده جالب رایا آور کرده اند، که گروه «بهبودگران»، مرکب از برخی از اعضای سابق «حزب

سوسیالیست»، تاکنون تمایلی به احیای همکاری انتخاباتی سال پیش خود با «ائتلاف دمکراتیک» نشان نداده است. از سوی دیگر، همکاری آدریانو موریرا، وزیر مستمرات سالارار، با «ائتلاف دمکراتیک» بسیاری از انظار را بخود جلب کرده است.

پدیده جدید دیگر آنکه، برای نخستین بار سازمان فاشیستی «میرن» نیز در انتخابات شرکت میکند! تجزیه طلبان راستگرای آژور و مدیرا هم قصد دارند زیر عنوان «دمکراتهای آتلانتیک» «سائوتیو» تئین گردند. البته نه این گروه که پای راست افراطی شان پیروزی در انتخابات آینده را خواهند داشت و نه هفت دارو دسته چپنمای ماؤیستی و تروتسکیستی، که به معرفی نامزد هایی چند میدارت ورزیده اند.

در جبهه مقابل «ائتلاف دمکراتیک» «جبهه جمهوریخواه سوسیالیست» و «ائتلاف پوو اوئیدو» آردارند. چنانکه پیشگویی های ماریوسوارش و دیگر رهبران «حزب سوسیالیست» راباور کنیم، «جبهه جمهوریخواه سوسیالیست»، مرکب از حزب نامبرده و دو گروه دیگر، اکثریت مطلق آراء را بدست خواهد آورد. اما با کمی واقع بینی، چنین پیروزی بعید بنظر میرسد. هرچه باشد درصد آراء «حزب سوسیالیست» در انتخابات گذشته از ۳۵ به ۲۷ کاهش یافت. لیکن

تخابات پارلمانی پرتغال روز سه شنبه برگزار خواهد شد. زار انتخاباتی رسماً در تاریخ شهریور گشایش خواهد یافت. ت اعلام لیست های انتخاباتی کنون پایان یافته است و ده حزب و سازمان ائتلافی، ۷ میلیون پرتغالی را فرا - نده اند که از میان ۶۰۰۰ د آنها، ۲۵۰ نامینده را برای بان آن کشور (آسمبلیا دار یکا) برگزینند.

بر آستانه کارزار انتخاباتی، «ف دمکراتیک»، که از احزاب تکراری «حزب سوسیال - کرات»، «مرکز دمکراتیک - ماعی» و «حزب سلطنت طلبان» تشکیل میشود، نسبت به رزی انتخاباتی خود ابراز نیبیبی میکند. یادآور میگردیم این بلوک راستگرا توانست، پرتو قانون انتخاباتی غیر - کراتیک پرتغال، در انتخابات ر اکثریت مختصری بدست د. دولت کنونی را تشکیل د. اما پایگاه اجتماعی «ائتلاف کراتیک» هنوز پس محدود است. از سوی دیگر، این «ائتلاف» مواضع کلیدی در دستگاه بی بره مند است. تقریباً تمام نگاه تبلیغاتی را در انحصار د در آورده است و برتر از همه، بیع عظیم مادی را در اختیار د. از پانزده وزیر کنونی، دوازده

تیم ملی ژیمناستیک برای اعزام به ارمنستان انتخاب شد

مسابقه های انتخابی تیم ملی ژیمناستیک جهت اعزام به ارمنستان شوروی پایان یافت. در پایان این رقابتها، که بین دوازده تن انجام شد، شش ژیمناست برای عضویت در تیم ملی انتخاب شدند که عبارتند از جواد خرسندی، حسن محمدقلی، امیر رحیمی اصفهانی، اسماعیل خرسندی، منصور راضی نژاد و جعفر درویش زاده.

این عده به همراه یک مربی، یک سرپرست و دو داور روز ۲۵ شهریور عازم ارمنستان شوروی خواهند شد.

آغاز مسابقات قهرمانی دو و میدانی ایران

مسابقات قهرمانی دو و میدانی ایران از روز چهارشنبه ۱۹ شهریور ماه بمدت ۴ روز در تهران برگزار خواهد شد.

مسابقات قهرمانی معلولین

از روز ۲۰ شهریور ماه، اولین مسابقات قهرمانی کشور (معلولین) در رشته های بسکتبال، والیبال، ستاده و نشسته، شنا، وزنه برداری، یومیدانی، شطرنج، تنیس روی میز، پلجرائی (سندلی چرخ دار) بسا رکت، شهربانگاری، تیریز، کرمانشاه، شیراز، اصفهان، تهران همدان آغاز خواهد شد. این سابقات تا روز ۲۷ شهریور ادامه خواهد یافت.



تیم والیبال جوانان ایران در مسابقات قهرمانی آسیا

فدراسیون والیبال ایران اعلام کرد که با موافقت وزارت امور خارجه سازمان تربیت بدنی ایران، تیم والیبال جوانان ایران برای شرکت در مسابقه های قهرمانی جوانان آسیا، که از روز ۲۶ مهرماه در سئول برگزار خواهد شد، عازم این کشور می شود.

شیوه‌های عمل امپریالیسم امریکا...

بقیه از صفحه ۱

بعقیده سولیوان حفظ ارتش و انتقال آن به دولت بازرگان امکان میدهد که دولت بازرگان، هنگامیکه شرکای میانه بتواند برسرعت و بگونه‌ای مؤثر کنترل اوضاع را بدست گیرد، و اگر تحول اوضاع چنان شد که این «کنترل» از دست رفت، آنگاه کودتا کند.

«خط عقیم کردن» انقلاب و «خط سرکوب انقلاب» بوسیله کودتا، بعد از پیروزی انقلاب نیز ادامه یافت. «خط عقیم کردن انقلاب» زیر عنوان «چون وابسته بودیم بناچار باید وابسته بمانیم» بعد از انقلاب، در دوران دولت موقت، بنام «خط گام به گام» معروف شد. این «خط» کوشید انقلاب را از محتوای ضد امپریالیستی و خلقی آن تهی سازد. مناسبات آمریکا با ایران را که مناسبات «ظالم با مظلوم» بود اساساً با اندک تعدیلی حفظ کند، سرمایه داری بزرگ را وابسته و زمین داری بزرگ را که دویا به اجتماعی- اقتصادی سلطه امپریالیسم به سرکردگی آمریکا در ایران بودند، از زیر ضربات کوبنده انقلاب نجات دهند، دستگاه دولتی از جمله و بویژه ارتش را از پاکسازی و نوسازی انقلابی محفوظ دارد، حتی ضد انقلاب و کارمندان ساواک را زیر عنوان جلوگیری از «انتقام جویی» از زیر ضربات کفر انقلابی برهاند.

«خط گام به گام»، چنانکه میدانیم، در تضاد با «خط امام»، خط تعمیق انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی، خط قطع کامل وابستگی و تأمین استقلال همه جانبه کشور، خط نوسازی اقتصادی اجتماعی ایران بسوی دموکراسی قرار گرفت. آنگاه فریاد برآورد «آقا هم که ما مثلاً ما را کلافه کرده است» و علناً بانگ زد که «سه‌سه‌بار» نه بار ما غلط کردیم که انقلاب کردیم.

مذاکراتی که در الجزایر بین آقای بازرگان بهر اهرام آقایان چمران و یزدی با برژینسکی صورت گرفت و متأسفانه هنوز چگونگی آن به اطلاع مردم ایران نرسیده اوج تلاش «خط گام» به کام بود. بدنبال آن، این «خط» شکست خورد ولی تسلیم نشد. «خط عقیم کردن» و «خط انقلاب ایران هنوز هم در تلاش و تکاپو است و قلب‌زاده‌ها معرف تام و

ولی «خط» آمریکا که هدفش با توسل به دو شیوه عمل در هم شکستن انقلاب ایران است خطی است که چه قبل از پیروزی انقلاب و چه بعد از آن، چه در حال کنونی و چه برای آینده، دو عامل را در محاسبه نکرده و نمیتواند بگیرد. یکی از این دو عامل، که عمده ترین عامل تعیین کننده است، نیروی انقلابی بی‌باخته است و عامل دیگر تناسب نیروها در عرصه بین‌المللی است. امپریالیسم در ریتام هم نتوانست این دو عامل و قدرت عمل آنها را محاسبه کند، در گویا نمیتوانست در این جنوبی (عدن) هم نتوانست در هیچ کجای دیگر نتوانست است و اصولاً نمیتواند این دو عامل را بحساب آورد. این از خصوصیات امپریالیسم است.

انقلاب ایران علی‌رغم تلاش آمریکا برای عقیم کردن و مسخ آن و علیرغم همه نوع توطئه برای سرکوب خونین آن، به نیروی توده‌های میلیونی که فداکارانه و جانپازانه بی‌باخته‌اند، در شرایط بین‌المللی کنونی که امپریالیسم بین‌المللی دیگر نه فقط قدر قدرت نیست بلکه قدرتش همواره تحلیل میرود پیروز خواهد شد و به پیروزی نهایی خواهد رسید.

پیشنهاد ما برای...

بقیه از صفحه ۱

ستون پنجم آمریکا شایعه پخش میکند که حزب توده ایران سلسله جنبان حوادث گردستان است و افرادی در دام این کذابان بی‌وجدان می‌افتند.

کسانی که در این دامها گرفتار میشوند از یاد می‌برند که یگانه نیروی سیاسی که از همان آغاز برای خنثی کردن نقشه‌های امپریالیسم در گردستان با تمام امکانات خود کوشیده و باز هم میکوشد حزب توده ایران است.

توده‌ایها در گردستان یگانه کسانی بودند که در جوی کفشد انقلاب و عمل امپریالیسم در گردستان ایجاد کرده بودند و در دیوار شورها پر از شعارهای ضد انقلابی، علیه جمهوری اسلامی ایران و رهبری انقلاب بوده در میان محاصره ائتس و بازو و تهدید مسلحانه ضد انقلاب بزرگترین خطر هارا بجان خریدند و برای بار اول در گردستان در جلسات و گردمانها آشکار و بی‌پرده به هزاران نفر از مردم گردستان گفتند که ای مردم، راهی که شما را در آن انداخته‌اند گمراهی است، از آن برگزیدید و دست بدست جمهوری اسلامی ایران منتها این «خط» دو طرف دارد، یادوشیوه عمل. تعقیب میشود که هر یک برای پیشرفت و موفقیت دیگری زمینه فراهم میسازد.

با شیوه مسخ انقلابی می‌شود از رشد و تعمیق انقلاب ایران جلوگیری بعمل آید تا اقتضای از مردم از ثمرات انقلاب ابتدا مایوس، سپس بی‌تفاوت، سپس ناراضی و سرانجام مخالف گردند و هر یک از این مراحل زمینه‌های مساعد و مساعدتری برای ایجاد ضربه قهر آمیز، یعنی اجرا «خط» کودتا، فراهم میکند. همچنین برعکس، تهدید دائمی ایران به تهاجم نظامی آتشی‌افروزی در گردستان، وادار کردن عراق به جنگ تجاوزی فرساینده علیه جمهوری اسلامی ایران، انواع دیگر توطئه‌ها و خرابکاری‌های قهر آمیز از خارج و در داخل ایران، از رشد انقلاب و پرور و ظهور ثمرات آن است.

در واقع امپریالیسم آمریکا برای درهم شکستن انقلاب ایران با دو دست عمل میکند که در یکی از دو دست، پنجه آهنین زیر دستکش مخملی پنهان شده و در یکی دیگر پنجه آهنین دیگری منتها آشکار قرار گرفته است.

ولی «خط» آمریکا که هدفش با توسل به دو شیوه عمل در هم شکستن انقلاب ایران است خطی است که چه قبل از پیروزی انقلاب و چه بعد از آن، چه در حال کنونی و چه برای آینده، دو عامل را در محاسبه نکرده و نمیتواند بگیرد. یکی از این دو عامل، که عمده ترین عامل تعیین کننده است، نیروی انقلابی بی‌باخته است و عامل دیگر تناسب نیروها در عرصه بین‌المللی است. امپریالیسم در ریتام هم نتوانست این دو عامل و قدرت عمل آنها را محاسبه کند، در گویا نمیتوانست در این جنوبی (عدن) هم نتوانست در هیچ کجای دیگر نتوانست است و اصولاً نمیتواند این دو عامل را بحساب آورد. این از خصوصیات امپریالیسم است.

انقلاب ایران علی‌رغم تلاش آمریکا برای عقیم کردن و مسخ آن و علیرغم همه نوع توطئه برای سرکوب خونین آن، به نیروی توده‌های میلیونی که فداکارانه و جانپازانه بی‌باخته‌اند، در شرایط بین‌المللی کنونی که امپریالیسم بین‌المللی دیگر نه فقط قدر قدرت نیست بلکه قدرتش همواره تحلیل میرود پیروز خواهد شد و به پیروزی نهایی خواهد رسید.

انقلاب ایران علی‌رغم تلاش آمریکا برای عقیم کردن و مسخ آن و علیرغم همه نوع توطئه برای سرکوب خونین آن، به نیروی توده‌های میلیونی که فداکارانه و جانپازانه بی‌باخته‌اند، در شرایط بین‌المللی کنونی که امپریالیسم بین‌المللی دیگر نه فقط قدر قدرت نیست بلکه قدرتش همواره تحلیل میرود پیروز خواهد شد و به پیروزی نهایی خواهد رسید.

و دست قهاهم و اتحاد بسوی جمهوری اسلامی ایران دراز نمودند و اعمال و توطئه‌های ضد انقلاب را افشا ساختند.

منظور از نوشتن این مطالب، آن نیست که مسائل عیان را بار دیگر بیان کنیم. بلکه اینست که همگان را متوجه سازیم که قبل از قضاوت و تصمیم گیری باید به گنه مطلب برسیم و حقیقت امر را درک نمائیم و فقط در اینصورت است که همه قضاوتها و اعمال ما درست خواهد بود. چنین سوزانی را که چنگ گردستان نام دارد سیاست امپریالیسم آمریکا و ستون پنجم آن بوجود آورده است و لایق این چنینه خواست خلق کرد است و نه سیاست جمهوری اسلامی ایران. قریب ۲۰ ماه است، یعنی از همان فرای انقلاب، که در این سرزمین غارت شده و بلادیده خون ریخته میشود، خون پیشمرگ پاسدار، سرباز، سنی، شیعه، کرد، ترک، فارس و غیره، ویرانی شهرها، خرابی دهات، رکود کشاورزی، اختلال بازار و سربار همه اینها خشم و کین و وحشت، یگانه نموده این جنگ تحمیلی برادر کنی بوده است. دوستی و برادری که یکی از ارکان متن حفظ وحدت و استقلال ایران است صدمات فراوانی دیده است. جنبی‌را که امپریالیسم آمریکا در گردستان برافروخته است باید خاموش کرد و آرامش و صلح و صفا را در گردستان برقرار نمود.

برای رسیدن به این هدف باید خود را از اسارت تلقینات و افسونگریهای عمل آشکار و پنهان ستون پنجم آمریکا رها ساخت. باید از زمین محکم واقعیات عزیمت نمود تا بسرنمزل توفیق و کامیابی رسید. واقعیت بی‌چون و چرا اینست که در گردستان از طرفی موجودیت خلق کرد و خواستهای مشروع، حقه و انسانی او مطرح است و از طرف دیگر توطئه‌های خونین ستون پنجم آمریکا که این واقعیت را به آلت اجرای سیاست شیطنی خود مبدل کرده است، باید با اجرای خواستهای مشروع خلق کرد بزرگترین و یگانه زمینه سوء استفاده را در گردستان از دست ستون پنجم آمریکا بدر آورد.

خواستهای مشروع خلق کرد از جانب جمهوری اسلامی ایران پذیرفته شده است. پیام تاریخی امام خمینی مورخ ۲۶ آبانماه ۱۳۵۸، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سخنان اخیر امام خمینی خطاب به روحانیون گردستان که بدیدار امام آمده بودند، مبنای حقوقی و سیاسی پذیرش خواستهای مشروع خلق کرد است.

ما پیشنهاد می‌کنیم: اکنون که همه نهادهای قانونی رژیم جمهوری اسلامی ایران بوجود آمده و مستقر گردیده است، بر مبنای پیام تاریخی امام خمینی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اسرع وقت طرحی یا قانونی در زمینه تأمین و اجرای خواستهای مشروع خلق کرد تهیه و اعلام گردد. اعلام چنین سندی ضد انقلاب را در گردستان خلیع سلاح خواهد نمود و به نیروهای صدیق گردستان قوت و پروبال خواهد داد و نتیجتاً راه را برای پیروزی انقلاب در گردستان خواهد گشود. تذکر مطلبی را هم ضرور می‌شمریم و آن اینکه حتی که باید بخلق کرد داده شود فقط و فقط به خلق کرد اختصاص خواهد داشت و نه به هیچ حزب و گروه سیاسی و یا سازمان و جمعیت. حزب توده ایران در حل مسئله گردستان جز سود و خیر و مصلحت انقلاب شکوهمند ایران هیچ توقع و تمنا خاصی برای خود ندارد و متوقع آن نیست که در گردستان حتی یک پست دهدار

آنها که دست دوستان راستی را خارجی ایران راپس زدند

شورای انقلاب اصرار داشت ایران با نهی های رهائی بخش و کشورهای سوریه، لیبی الجزایر روابط داشته باشد و دولت موقت کار به تاخیر می‌انداخت

«در این مورد (سیاست خارجی) شورای انقلاب اصرار داشت نهیهای آزادیبخش و کشورهای اسلامی چون الجزایر، سوریه و روابط خیلی سریعتر باشد. مقاومت در برابر امپریالیسم آمریکا و امپریالیستها شدیدتر و قاطع تر باشد»

حجت‌الاسلام باهنر، هنگام ارائه کارنامه شورای انقلاب، با بالا نشان داد که شورای انقلاب در زمینه سیاست خارجی موافق سیاستی بوده است. این سیاست اگر از همان آغاز اعمال میشد، در کنار درستان انقلابی خود قرار می‌گرفت و می‌توانست هر چه زودتر دستان و دشمنان خارجی خود را، که شناختن آنها نقش کلیدی در سر نوشت انقلاب ایران دارد، باز بشناسد و از بسیاری از بی‌آمده خطرناک بعدی اجتناب کند.

اما نیروهای بودند و هستند که با این سیاست مترقی و بحق شورای انقلاب مخالف بودند و هستند. این نیروها دانسته نداشتند ایران را از دوستان راستین خود جدا می‌کنند و در راه تا و تعمیق انقلاب ایران سنگ می‌اندازند. بورژوازی لیبرال ایران، که در پیکر دولت موقت شکل گرفته بود راس نیروهای قرار داشت و دارد که دانسته از شناسایی دوستان و ایران و همکاری با آنها جلوگیری می‌کند. حجت‌الاسلام باهنر ارائه کارنامه شورای انقلاب درباره سیاست خارجی دولت موقت اقدامات دولت در این زمینه خیلی وسیع نبوده

در واقع دولت موقت با دفع الوقت و به تاخیر انداختن ایجاد با کشورهای مترقی اسلامی، می‌کوشید تا از راه آشنایی با امپریال ایران را بار دیگر به‌عنوان امپریالیسم ببیند. وزرای امور خارجه هم از سنجایی و یزدی گرفته تا قلب‌زاده دقیقاً در همین مسیر حرکت می‌کردند. درست بسین خاطر بود که وزارت خارجه ایران نه تنها دوستی لیبی، الجزایر، یمن دمکراتیک، سوریه و حتی فلسطین را زده بلکه یورو «سیاست قلب‌زاده کوشید تا با اتحاد با ترکیه پاکستان بار دیگر پیمان امپریالیستی ستون را احیاء کند. اکنون نزدیک به دو سال گرافیمت از دست رفته است. اما دیر نیست، اگر از تجربه پند گرفته شود. ایران انقلابی، باید در رنگ در کنار دوستان واقعی انقلاب ایران قرار بگیرد. خوشبختانه اتحاد ضد امپریالیستی دو کشور مسلمان لیبی و سوریه و استقبال مسئول کشور از جمله نخست‌وزیر و ترمیک مجلس شورای اسلام این مناسبت نشان میدهد که ایران انقلابی آماده فتردن دست دو راستین انقلاب ایران است. از آنسو هم مراجعه پایب کشورهای جبهه پایداری به مقامات مسئول ایران نشان میدهد که همه چیز شناسایی دوست و همکاری با دوستان انقلاب ایران فراهم است. ما امیدواریم، هر چه زودتر، وزیر خارجه جدید ایران که نمى مخالف این سیاست باشد انتخاب و به کار مشغول شود تا هر چه زیان‌هایی که «سیاست قلب‌زاده» به ایران زده است جبران شود.

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

هم به يك توده‌ای سیرده شود. مافقط يك هدف و يك آرزو داریم. آنها پايان دادن به جنگ برادر. کتس، نجات جمهوری اسلامی ایران از يك ورطه فرساینده و مخاطره انگیز و تأمین صلح و آرامش و حق و عدالت برای همه خلقها و اقوام و قبائل ایران است. اگر يك ارتش خارجی گردستان را اشغال کرده بود راه حل مسئله فقط راندن این یکگانه به زور نیروی نظامی بود. ولی گردستان مسکن خلقی است که هفتاد جدهش در این خاک مدفون است و خواست حقه و مشروع دارد و انرا نه می‌شود راند و نه می‌شود کار دیگری کرد. باین خلق و هیچ خلق دیگری جز از طریق پذیرفتن و اعلام و اجرای خواستهای برحق وی از هیچ طریق دیگری نمی‌توان و نباید رفتار کرد. حل مسئله گردستان و سرکوب ضد انقلاب در گردستان جز از این طریق ممکن نیست و تجربه گذشته این را ثابت کرده است. حوادث اسفنازی که در گردستان میگذرد ما را بر آن میدارد که با احساس حس مسئولیت برادران و خواهران کرد خود را بار دیگر مورد خطاب قرار دهیم و سرنوشت اسفناز گردستان عراق را بیاد آنبایاوریم و به آنها بگوئیم که به مدعاهای برطوطراق ضد انقلاب گوش ندهید و بدانید که اگر خیری و سودی نصب خلق کرد بشود، فقط از طریق دوستی و همبستگی با جمهوری اسلامی ایران ممکن خواهد شد. با احساس مسئولیت و ابتکار در

باز کردن گره کور بحرار گردستان به دولت جمهوری اسلامی ایران یاری نمائید. مسکن حفظ انقلاب ایران در برابر توطئه‌های امپریالیسم آمریکا مطرح است. باید بخاطر این مسئله اصلی با چشم و گوش باز راه را از چاه باز شناسیم.

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران
دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست
NAMEH MARDOM
No. 333
15 September 1980
Price: West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.